

چه کسی چرخ حمل و نقل را پنچر کرد؟

صفحه ۱۴



درباره جشنواره‌ای که برای بهتر شدنش هم در سیاستگذاری و هم در اجرا نیاز به تغییرات داریم

عجایب هفت گانه جشنواره فیلم فجر

ولادت امام حسین (ع) و روز پاسدار را تبریک می گویم
روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان



www.fdn.ir | Tue | 13 Feb 2024 | vol.15 | No. 4079 | 16 Pages

					درباره نامه ۱۱۰ اصلاح طلب مشارکت جو								

نه به خاتمی، سلام به واقعیت

محمدعلی وکیلی، نماینده سابق مجلس در گفت و گو با «فرهیختگان»: اصلاح طلبان حداکثری طلب توقع کار چریکی از مجلس داشتند

میلاذ دخانچی، پژوهشگر مطالعات فرهنگی در گفت و گو با «فرهیختگان»: هیچ ایده مسلطی برای غنی سازی سینمای ارگانی وجود ندارد

گزارش «فرهیختگان» از حواشی پیرامون یک پروژه ملی تماشاگر ویرانی میراث دهخدا نباشید

درباره نامه ۱۱۰ اصلاح طلب مشارکت جو نه به خاتمی، سلام به واقعیت

هرمیتیک است. تغییر و جایگزینی سازی ۵ میلیون بخاری معمولی و غیراستاندارد نیازمند سطح ۱۰۰ همت یا به عبارتی ۲ میلیارد دلار هزینه است. راندمان ۸۵ درصدی این بخاری‌ها با اولویت دهی به مناطق سردسیر می تواند سالانه منجر به ذخیره سازی ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز شود و سالانه ۳ میلیارد دلار ارزآوری یا جلوگیری از عدم النفع برای کشور به واسطه افزایش توان صادرات گاز ایجاد خواهد شد. با توجه به قطع گاز صنایع و نیروگاه‌ها در صورت تبدیل این حجم از انرژی به کالا یا سایر انرژی‌ها مثل الکتریسیته، سالانه حدود ۱۵ میلیارد دلار ارزش افزوده برای کشور ایجاد خواهد شد.

اقدام دوم اجبار پرمصرف‌ها به تمکین از الگوی مصرف است. صدک بالای جامعه یا باید به الگوی مصرف تمکین کرده یا اینکه هزینه مصرف بی رویه را پرداخت کند. در این خصوص اصلاح نظام تعرفه بندی پلکانی و آزادسازی قیمت انرژی برای پرمصرف‌ها رویکردی است که می تواند مره‌ها را مجبور به رعایت الگوی مصرف کند. بخش عمده مصرف انرژی در تهران در مناطق یک، دو و سه دارند که چندین برابر الگو در حال مصرف انرژی رایگان هستند که می توان با کنترل مصرف همین بخش، قسمتی از مشکلات را کاهش داد.

یکی از نمونه‌های کوچک و موفق در مدیریت مصرف و استفاده از سیاست‌های غیرقیمتی، طرح تعویض رایگان لامپ‌های رشته‌ای با لامپ‌های کم مصرف در مناطق محروم بوده است. اقدامی که هم با استقبال مردم مواجه شده و هم توانسته مصرف انرژی را کاهش دهد. سیاستگذاران ما باید به این موضوع ایمان آورند که امروزه بسیاری از کشورها با بهره‌گیری از ابزارهای اقتصاد رفتاری توانسته‌اند از طریق سیاست‌های غیرقیمتی بسیاری از چالش‌ها و مشکلات را برطرف سازند و این ابزارها روی میز هستند که تنها نیازمند اراده جدی برای بهره‌گیری و استفاده از آنها لازم است. البته دولت به اجرای سیاست‌های غیرقیمتی اقبال نشان داده و متمایل به استفاده از آنهاست. اما صرفاً تمایل نشان دادن کافی نیست و باید هر چه زودتر این برنامه‌ها در کشور پیاده سازی و دنبال شوند.

ناترازی انرژی در کشور است. بهبود ناترازی انرژی از سه مسیر و کانال قابل دستیابی است. نخست افزایش تولید گاز طبیعی و سایر حامل‌های انرژی موضوعی که با توجه به سرمایه بالا برای جبران افت فشار پارس جنوبی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. کما اینکه هیچ افزایش تولیدی نمی‌تواند این روند مصرف را تامین کند. دوم تنوع بخشی به سبد انرژی کشور و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در آن در این حوزه هم سرمایه بالانیز است و هم حجم ناترازی به گونه‌ای است که در کوتاه مدت انرژی‌های تجدیدپذیر نمی‌توانند آن را پوشش دهند. سومین راهکار هم مدیریت است. خود مدیریت مصرف از دو طریق قابل اجراء است: سیاست‌های قیمتی و سیاست‌های غیرقیمتی؛ معمولاً در کشور ما اولین راهکار که به ذهن می‌رسد مدیریت مصرف از طریق اصلاح قیمتی است. اصلاح قیمتی را می‌توان ساده‌ترین راه دانست. اما تجربه آبان ۹۸ باعث ایجاد مقاومت در رویکرد اصلاح قیمتی شده، البته باید دقت داشت که رویکرد خطی و تجربیاتی قبلی اصلاح قیمت نشان داده که این رویکرد در بلندمدت راهگشا نیست و باید به سمت سیاست‌های غیرقیمتی رفت. قبل از هر چیز اعمال سیاست‌های غیرقیمتی نیازمند عزم دولت و اراده در تصمیم‌گیری است، بدنه دولت باید نسبت به اهمیت این حوزه توجه شده و همراه شوند و سازه‌های ناکوک دولت باید از مسیر برداشته شود تا بتوان برای نخستین بار در کشور مدیریت مصرف انرژی را به صورت عمده از طریق ابزار غیرقیمتی کنترل کرد.

ما در سیاست‌های غیرقیمتی تنوع در انتخاب داریم. تنوع در انتخاب این امکان را می‌دهد که بتوان به صورت ترکیبی از ابزارهای مختلف و روش‌های متنوع برای مدیریت مصرف بهره برد. پیش‌نیاز اصلی این اقدام تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات و دیباست یعنی گردآوری و استفاده از ابزارهای تحلیل اطلاعات کلان بستر مناسبی برای سیاستگذاری و تصمیم‌گیری فراهم می‌سازد. به عنوان نمونه از جمله اقدامات و سیاست‌های غیرقیمتی برای کنترل ناترازی انرژی در بخش خانگی جایگزینی سازی بخاری‌های معمولی با بخاری‌های

بزرگ‌ترین دارنده ذخایر هیدروکربنی دنیا در گیبودار ناترازی انرژی، نتیجه فقدان برنامه و استراتژی انرژی چیزی بهتر از این نخواهد بود. اقدام بدون داشتن استراتژی موجب وابسته کردن ۷۰ درصد سبد انرژی کشور به گاز طبیعی می‌شود. این بی‌توجهی به تنوع در تامین منابع، عدم برنامه برای مدیریت مصرف و بی‌توجهی به افزایش راندمان انرژی در کشور همگی دست به دست هم داده تا امروز با یکی از عجیب‌ترین اتفاقات یعنی ناترازی انرژی در کانون انرژی جهان مواجه باشیم. یکی از مهم‌ترین دلایل این ناترازی همان‌گونه که اشاره شد وابستگی ۷۰ درصدی سبد انرژی کشور به گاز طبیعی است. اگر بخواهیم به صورت جزئی‌تر بیان کنیم باید بگوییم ۸۰ درصد تامین انرژی بخش خانگی، ۷۹ درصد تامین انرژی بخش صنعت، ۵۵ درصد خوراک پتروشیمی‌ها و ۱۳ درصد حمل و نقل کشور وابسته به گاز است. این حجم از وابستگی در کنار راندمان پایین وسایل و تجهیزات انرژی بر مانند بخاری‌ها موجب پیشی گرفتن مصرف انرژی کشور از تولید شده است. در کنار این مصرف سرسام‌آور افت فشار میدان گازی پارس جنوبی را هم شاهدیم که در نهایت منجر به بروز ناترازی انرژی در ایران شده است؛ ناترازی که هر روز به عمق و وسعت آن افزوده می‌شود.

قربانی نخست این ناترازی صنایع کشور هستند، دولت‌ها همیشه برای جلوگیری از قطعی بخش خانگی بابت هر ناترازی در انرژی به دنبال اعمال محدودیت برای بخش صنعتی هستند. صنایعی که در تابستان با کمبود برق و در زمستان با کمبود گاز مواجه بوده و گاهی بیش از ۵۰ روز از سال تعطیل هستند. موضوعی که در نهایت اثر خود را در GDP کشور نمایان خواهد کرد. یکی از مولفه‌های مهم در بهبود محیط کسب و کار تسهیل و تضمین دسترسی به انرژی است. بدون تضمین دسترسی به انرژی تسهیل در صدور مجوز منجر به رشد مشاغل کوچک و متوسط نخواهد شد. تاها راهکار وضعیت کنونی، کنترل و بهبود

بن بست رادیکالیسم. اگر بدنه اصلی و هسته سخت نامه ۱۱۰ مشارکت جوی اصلاح طلب جامعه‌شناسی خوانده‌ها و روزنامه نگارها و عمل‌گرایان تکنوکرات هستند، موتور محرک تحریم طلبی مصطفی تاجزاده است. تاجزاده‌ای که آنقدر به اسناد کشاندن اصلاح طلبان برایش موضوعیت دارد که از همان زندان با اساتید دانشگاه ارتباط می‌گیرد تا آنها را قانع کند که برای افزایش مشارکت در انتخابات کاری نکنند، اما این ۱۱۰ نفر فعلاً کاری را کرده‌اند که محمد خاتمی در زمستان سال ۹۰ انجام داد و ظاهراً در اسفندماه ۱۴۰۲ انجام نمی‌دهد. واقعیت این است که این ۱۱۰ نفر کاری سخت و پرریسک انجام داده‌اند، ریسکی که ممکن است بگیرد یا نه، اما از جهت اینکه به سراغ واقعیت رفتن گامی به جلو است باید به فال نیک گرفته شود.

واقعیت‌گرایی و تاجزاده بودن البته زمین بازی اختصاصی طفی از اصلاح طلبان نیست، در میان رقبای آنها در جریان اصولگرا و بخشی از مسئولان دستگاه‌های اجرایی هم این روند دیده می‌شود. شاید این بخش دوم جدی‌تر هم باشد، واقعا اگر مسئولی بخش مهمی از واقعیت انتخابات را کمپین تحریم بداند که از اپوزیسیون خارج و داخل تا بخشی از متحجران داخلی را در بر می‌گیرد، آن وقت وضع اینترنت این گونه می‌ماند که این روزها هست؟ اگر کسی دلش به حال مشارکت در انتخابات می‌سوخد به خاطر یک لیوان، قیصریه استازاپ‌ها را به آتش می‌کشید؟ اگر کسی نگران ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ بود جشنواره فیلم فجر را آنقدر محدود و حداقلی برگزار می‌کرد؟

وضع سیاسیون اصولگرا هم از این بهتر نیست، به بازی اسم و فامیل و مسابقه کلمه سازی برای نام ائتلاف‌ها دقت کنید، تصور این جماعت از مردم همان ماشین رابی است که هر چه بگویند همه در صف هستند که به آن رای دهند. یا به جدال‌های بی‌محتوای توییتی اساتید خودخوانده این طیف نگاه کنید، واقعا وقتش نیست از این آقایان و حامیان پشت صحنه‌شان سوال کرد از این مبتذل‌تر هم می‌شود کار سیاسی کرد یا نه؟

بیانیه ۱۱۰ فعال سیاسی اصلاح طلب را باید به فال نیک گرفت، نه تنها به خاطر اینکه دعوت به حضور موثر در انتخابات را به عنوان یک کنش مدنی ترویج می‌کند -که البته این هم مهم است- بلکه به خاطر اینکه در حد خود جریان سیاست‌ورزی در ایران را به سمت چالش واقع‌گرایی سوق می‌دهد. امروز در عرصه سیاسی ایران کنشگران را می‌توان از جنبه نوع مواجهه با واقعیت به دو دسته تقسیم کرد؛ واقعیت‌گریزان و واقعیت‌پذیران. در هر دو دسته کلاسیک سیاست‌ورزان ایرانی یعنی اصولگرا و اصلاح طلب البته از هر دو نوع دیده می‌شود. نامه ۱۱۰ اصلاح طلب واقعیت‌پذیرانه است، چون از یک تجربه زیستی برآمده از واقعیت‌گرایی می‌آید. تجربه تاریخی فشرده‌ای که در آن انباشتی از تجربه‌های شکست خورده و موفقیت‌آمیز از رادیکالیسم تا پراگماتیسم دیده می‌شود، از تحصن نافرجام مجلس ششمی‌ها در زمستان ۸۲ و ترجیح خیابان به صندوق در تابستان ۸۸ گرفته تا رای مخفیانه پای قله دماوند در اسفند ۹۰ و کمپین درست کردن برای آیت‌الله محمدحسین کرمانی و مرحوم ری شهری در سال ۹۴، اینها فراز و فرودهایی است که طفی از اصلاح طلبان را به این نتیجه رسانده که مسیر تندروی بن بست است.

روح حاکم بر بیانیه ۱۱۰ نفی دو نکته مهم دارد؛ اول اینکه مشارکت جوی فارغ از نتیجه، خودش موضوعیت دارد و نه صرفاً طریقت. ثانیاً رسیدن به هدف چه در درازمدت و چه در کوتاه‌مدت راهی جز صندوق رای و مشارکت ندارد. بیانیه ۱۱۰ نفی موسوم به متن روزنگشایی البته بندی محذوف و نانوشته هم دارد که ما مسیر تحریم را یک‌بار تا آخر رفته‌ایم و چیزی آخرش ندارد. امروز جبهه اصلاحات دو راهبر دارد؛ یکی در دانشگاه و دیگری در زندان، یکی در مسیر واقع‌گرایی و دیگری در

فرهنگستان

دانشگاه

شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲ | شماره ۴۰۶۹ | www.fdn.ir

به رغم رشد ۴۳ درصدی بازار پنل های خورشیدی در سال ۲۰۲۳، تمایل کشورها به توسعه این انرژی ها بیشتر می شود

چینی‌ها برترین تولیدکننده انرژی خورشیدی در دنیا



رئیس دانشگاه آزاد استان آذربایجان غربی و واحد ارومیه در گفت وگو با «فرهیختگان»:

از آموزش عالی استان سهم ۴۰ درصدی داریم



گزارش «فرهیختگان»

از حواشی پیرامون یک پروژه ملی

تماشاگر ویرانی

میراث دهخدا نباشید

چه خبر از دانشگاه

۸۷ تیم در بخش ملی و بین الملل رویداد مدآفرین شرکت کرد

آیین اختتامیه چهارمین رویداد ملی و اولین رویداد بین المللی مدآفرین با حضور حدود ۳۰ طرح لباس داخلی و خارجی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب با حضور خانواده دانشجویان برگزیده علمی، فعالان فرهنگی واحد به مناسبت ایام مبارک دهه فجر انقلاب اسلامی برگزار شد. شرکت‌کنندگان در بخش ملی با موضوع طراحی لباس محیط علم از دبیرستان تا دانشگاه اقدام به طراحی و تولید بیش از ۱۴۰ مدل مانتو دانشجویی و دانش‌آموزی با الهام از لباس بانوان کلات نادری کردند و علاوه بر آن در بخش بین‌المللی نیز ۱۲ تیم از کشورهای لبنان، سوریه، افغانستان، عراق و ایران حضور پیدا کرده و با موضوع فلسطین آزاد اقدام به طراحی لباس کردند. گفتنی است ۷۵ تیم در بخش ملی و ۱۲ تیم در بخش بین‌الملل در این رویداد شرکت کردند. بسیج اصناف کشور، سازمان بسیج علمی، انجمن ماثمین سازی نساجی ایران، مرکز تحقیقات حصان، دانشگاه الزهراء، دانشگاه شرعی، دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای استان‌های مختلف، دانشگاه‌های آزاد و خوارزم، مشهد، تهران مرکزی، کارخانجات کویرچین، کبیرایات، اروم و ایاز و ایرانشک در این رویداد حضور داشتند.

مصاحبه علمی متقاضیان عضو هیات علمی وابسته دانشگاه آزاد انجام شد

مصاحبه علمی متقاضیان همکاری به عنوان عضو هیات علمی وابسته دانشگاه آزاد انجام شد. محمد علی اکبری، معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد با اعلام این خبر گفت: «مصاحبه علمی متقاضیان همکاری به عنوان عضو هیات علمی وابسته در شش گروه تخصصی توسط گروه‌های کشوری معاونت علوم و مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی انجام شد.»

وی افزود: «مصاحبه علمی متقاضیان همکاری به عنوان عضو هیات علمی وابسته واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران برای ۲۱۴ نفر از متقاضیان واجد شرایط در گروه‌های ریاضیات و علوم کامپیوتر، زیست‌شناسی، فیزیک، مهندسی برق، مهندسی پزشکی و مهندسی کامپیوتر توسط گروه‌های کشوری مربوط به میزبانی واحدهای تهران، غرب، تهران شمال و تهران جنوب برگزار شد.» علی اکبری اظهار کرد: «مصاحبه علمی متقاضیان همکاری به عنوان عضو هیات علمی وابسته دانشگاه آزاد اسلامی مربوط به سایر گروه‌های تخصصی نیز برگزار خواهد شد.»

آزمون EPT دانشگاه آزاد بهمن برگزار می‌شود
آزمون EPT دانشگاه آزاد روز جمعه مورخ ۲۷ بهمن ۱۴۰۲ همزمان در شهرهای تهران، تبریز، مشهد، اهواز، اصفهان، شیراز، کرمانشاه، رشت، کرمان، کرج، ساری، یزد و زنجان برگزار خواهد شد. مهلت ثبت‌نام آزمون EPT بهمن دانشگاه آزاد تا ساعت ۲۴ شنبه ۱۷ بهمن تمدید شده بود. این آزمون روز جمعه مورخ ۲۷ بهمن ۱۴۰۲ همزمان در شهرهای تهران، تبریز، مشهد، اهواز، اصفهان، شیراز، کرمانشاه، رشت، کرمان، کرج، ساری، یزد و زنجان برگزار خواهد شد. تمام دانشجویان دکتری تخصصی دانشگاه آزاد می‌توانستند در صورت تمایل با مراجعه به سامانه مرکز نتسج، پذیرش و فارغ‌التحصیلی به نشانی https://english.iau.ac.ir/ept/ نسبت به ثبت نام اقدام کنند.

«فرهیختگان» از برنامه‌های میان دوره‌ای تشکل ها و اتحادیه‌های دانشجویی گزارش می‌دهد

بهار میان دوره‌ای تشکل‌های دانشجویی چگونه گذشت؟



فاطمه طاری پیش خیرنگار گروه دانشگاه

اگر جشنواره فجر را با تمام حواشی و فراز و نشیب هایش، بهار سینمای ایران بدانیم، یا جام جهانی و جام قهرمانی آسیا را مهم‌ترین گردهمایی ورزشی در دنیا و آسیا تلقی کنیم، باید بگوییم که نشست میان دوره بهمن ماه نیز برای اتحادیه‌ها و تشکل‌های دانشجویی از چنین اهمیتی برخوردار است. اتحادیه‌ها و تشکل‌های دانشجویی در فرصت بین دو ترم که غالباً در بهمن ماه است، برنامه‌های سالانه خود را برگزار می‌کنند. این فرصت باعث می‌شود تشکل‌ها دوره‌ها، کارگاه‌ها و میزگردهای مناسبی را برگزار کنند و برنامه ریزی مناسبی برای آغاز فصلی دیگر از کنشگری داشته باشند. اما نشست‌های میان دوره‌ای امسال بازندیک بودن به انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خیرگان رنگ و بوی دیگری گرفته و چهره‌های سیاسی و اجرایی بسیاری در این فرصت به دانشگاه‌ها و جلسات تشکل‌ها راه پیدا کرده‌اند تا خود را در تیررس انتقادات و پیشنهادات دانشجویی قرار دهند. در ادامه این گزارش نگاهی گذرا به فعالیت‌های چندروز اخیر تشکل‌ها در نشست‌های میان دوره‌ای خواهیم انداخت.

■ **اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان ودوره منهای**

اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان، از ۱۵ بهمن ماه و در شهر قم، دوره معرفی و بصیرتی منهای را برگزار کرد. در این دوره که مخصوص اعضای شورای مرکزی فعال برگزار شد، ۳۰۰ دانشجو شرکت کردند. این دوره بر اساس منویات مقام معظم رهبری برنامه ریزی شده است. همچنین این اتحادیه، سلسله نشست‌های انتخاباتی ریافت را نیز برگزار کرده است. سلسله نشست‌های ریافت با حضور چهره‌هایی مانند حمید رسایی، عبدالله مرادی، شاهمرادی و... برگزار شد. دوره معرفی و بصیرتی منهای که در ۸ روز برگزار شد، در روز اول با برگزاری افتتاحیه، کارگاه مکاتب حکمرانی در جهان و کارگاه عملیاتی شدن منظومه معارف دینی گذشت. روز دوم، کارگاه ولایت فقیه با حضور محمد مهدی نادری قمی و باقرزاده و نمازی، کارگاه تاریخ مجلس خیرگان و کارگاه عملیاتی شدن منظومه معارف دینی برگزار شد. روز سوم این دوره، شاهد برگزاری کارگاه دست مهر و روز چهارم بازدید از نمایشگاه مهدوی و نمایشگاه کتاب بود. در روز پنجم دوره منهای نیز کارگاه ولایت فقیه برگزار شد.

■ **چهلمین نشست میان دوره‌ای تحکیم و سومین دور السابقون**

چهلمین نشست میان دوره‌ای تحکیم وحدت نیز در ۲۱ بهمن ماه و در قم برگزار می‌شود. در این نشست تمام انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های کشور که عضو دفتر هستند، حضور یافته‌اند؛ چراکه جزء مهم‌ترین نشست‌های میان دوره‌ای این تشکل است. در این نشست ها سخنرانان مختلف از مسئولان کشور و افراد سیاسی طیف‌های مختلف حضور دارند. واحدهای مختلف دفتر تحکیم نیز دوره‌های مخصوص به خودشان را برگزار می‌کنند، مانند دوره السابقون که واحد آموزش آن را برگزار می‌کند. دوره مطالعاتی بینات نیز با مطالعه کلی اندیشه اسلامی در برنامه‌های این تشکل وجود دارد. همچنین کنشگری پیرامون انتخابات مجلس در قالب تلویزیون

اینترنتی، انجام مصاحبه‌های مختلف، صدور بیانیه‌ها و انتشار نشریه مناسبیتی نیز صورت می‌گیرد. برگزاری میزگردهای مختلف، جلسات پرسش و پاسخ دانشجویی و مطالبه‌گری از مسئولان هم با توجه به ایام انتخابات در این نشست‌ها وجود خواهد داشت. دفاتر تحکیم وحدت در روز اول چهلمین نشست خود، میزبان علیرضائپناهیان، و محمدعلی زلفی گل، وزیر علوم بودند. وزیر علوم در این نشست گفت: «در دنیا، دنیای تک‌قطبی و رهبری واحد معنا ندارد و پذیرفته‌اند جمهوری اسلامی یک جامعه مقتدر علمی است. در دنیا امروز متوجه شده‌اند که جمهوری اسلامی دارای قدرت استفاده از علم است، چراکه علم به جامعه و حاکمیت قدرت فزاینده و فرمانگانی می‌دهد. وقتی جمهوری اسلامی امروز در دانش نانو، بیو، سلامت و پزشکی و عرصه‌های مختلف هوافضا برای خودش حرفی دارد و رتبه ۱۵ علمی دارد، یعنی اینها ثمرات انقلاب اسلامی است.» در روز دوم، محسن قمی، معاون ارتباطات بین الملل مقام معظم رهبری و سید یاسر جبرائیلی نیز در این نشست حضور یافتند. در روز سوم، دانشجویان، جلسه‌ای با میرباقری و مالک شرعیتی و عمومی، داشتند. دوره السابقون واحد آموزش این دفتر نیز از ۲۴ تا ۲۵ بهمن ماه و با محوریت موضوعاتی چون آرمان‌خواهی در تشکیلات، ارکان تشکیلات، اخلاق تشکیلاتی، گفتمان تشکیلات و مسأله محوری در تشکیلات برگزار خواهد شد.

■ **حضور ۸۰۰ دانشجویان ۷۵ دانشگاه در بیست و دومین نشست جهاد اکبر**

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل، این روزها درگیر برگزاری بیست و دومین نشست جهاد اکبر در مشهد است که از ۱۷ بهمن ماه آغاز شد. نشستی که در آن ۸۰۰ نفر از دانشجویان سراسر کشور از ۷۵ دانشگاه حضور خواهند داشت. با دوره جهاد اکبر مانند هر سال، دوره‌های نخبه‌پروری نیز در کنار این نشست برگزار می‌شود و بعد از نشست ۲۵۰ نفر از دانشجویان گزینش شده و می‌توانند در این دوره‌ها شرکت کنند. بعد از آن تنها ۱۰۰ نفر از دانشجویان مرحله دوم می‌روند و این روال تا مرحله آخر دوره نخبه‌پروری ادامه خواهد داشت. اما انجمن مستقل بر خلاف دیگر انجمن‌ها به این دلیل که در ایام روز دانشجو، نشست‌های سیاسی بسیاری با حضور مسئولان شورای نگهبان و اعضای کمیسیون‌های مجلس برگزار کردند، دیگر در جهاد اکبر حضور مسئولان سیاسی را نداشتند. اما سعی کردند تا در برنامه‌های جنبی در دفتر خود از فضای انتخاباتی دور نمانند. افتتاحیه دوره جهاد اکبر با سخنرانی سیدمحمد رضا حسینی، ادوار اتحادیه مستقل آغاز شد، و در روز اول، این اتحادیه، میزبان احمد وحیدی، وزیر کشور و مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی رهبری برگزار شد. در روز دوم، جلسه پرسش و پاسخی، با میرهاشم موسوی، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی تشکیل شد. سومین روز از جهاد اکبر نیز میزبان، میهمانانی چون علی خضریان و مصطفی کواکبیان بود. مهم‌ترین اتفاق روز چهارم، حضور بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت به همراه عباس شیروازن (معاون فرهنگی) و ابوالفضل باقری (مد معاون آموزشی) بود. پنجمین روز از دوره جهاد اکبر ۲۲ نیز، شاهد جلسه دفاتر استانی با اعضای شورای مرکزی بود. در این نشست‌ها به موضوعاتی مانند کمبود کادر درمان، تبلیغات کاندیداها،ی مجلس و آمادگی برای انتخابات، نظام بیمه تامین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی و وظایف تشکل‌های دانشجویی اشاره شد. از بین نشست‌های برگزار شده، مروری بر مهم‌ترین نشست‌های

اتحادیه مستقل خواهیم داشت. در روز اول، وزیر کشور، احمد وحیدی در بخشی از صحبت‌های خود درباره انتخابات با دانشجویان گفت: «اگر بنا باشد برای نماینده خاصی استفاده شود باید با عدالت همراه باشد. چون قانون می‌گوید از امکانات دولتی برای تبلیغ می‌شود با فرصت برابر استفاده کرد. در انتخابات و بسایک فرجه خاص، چون دانشگاه‌ها جزء امکانات دولتی محسوب می‌شوند اگر بنا باشد برای نماینده خاصی استفاده شود باید با عدالت همراه باشد. چون قانون می‌گوید از امکانات دولتی برای تبلیغ می‌شود استفاده کرد ولی براساس استفاده برابر.» میرهاشم موسوی، رئیس سازمان تامین اجتماعی در روز دوم، درباره صندوق‌های بازنشستگی بیان کرد: «این اصلاحات اخیر که صورت گرفته برای رفع بخشی از چالش‌های صندوق‌های بازنشستگی است؛ چراکه اگرچه سن امید به زندگی و برخی دیگر از متغیرهای موثر بر صندوق‌ها در این سال‌ها تغییر کرده اما قوانین این حوزه ثابت مانده و هم اکنون بیش از ۵۰ درصد بازنشستگی‌ها پیش از موعد هستند. در ادامه بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت و درمان که در روز چهارم در جمع دانشجویان حاضر شد، در خصوص افزایش ظرفیت علوم پزشکی عنوان کرد: «تصمیم‌گیری درباره افزایش ظرفیت فقط مربوط به وزارت بهداشت نیست. آنچه که شورای عالی انقلاب فرهنگی آورده بودند افزایش ظرفیت سالانه ۵۰۰۰۰ نفر بود و در ادامه هر سال هم همین مقدار اضافه می‌شد. ما تمام تلاش و اعتراض‌مان را انجام دادیم و تا به امروز هم این اعتراض ادامه دارد. ولی نهایتاً شورای انقلاب فرهنگی تصمیم را گرفت و ما مجبوریم که انجام بدهیم. در این مدت با تلاش‌هایی که انجام دادیم کمیسیون سلامت را به کمیسیون‌های شورای عالی انقلاب اضافه کردیم.»

■ **پنجاهمین دوره نشست میان دوره‌ای جنبش عدالتخواه دانشجویی**

پنجاهمین دوره نشست میان دوره‌ای از ۱۷ تا ۲۰ بهمن ماه در اردرگاه الزهرا برگزار می‌شود. تمامی این ۵۰ دوره نشست‌های میان دوره‌ای جنبش به نام یک شهید آراسته بود که قرعه پنجاهمین نشست به نام شهید صالح الراعوری افتاد. در این دوره، رقیه فاضل پژوهشگر و استاد دانشگاه، علی اسکندری، ادوار جنبش، اسماعیل رئیسی، محمد امین سلیمی فعال رسانه، مرتضی فیروزآبادی، ادوار جنبش، رضا افشار، حسن سبحانی، روح‌الله رشیدی با موضوعاتی چون کنشگری در شهرستان، گذشته و آینده جنبش عدالتخواه، مدیریت رسانه، مسأله محوری در تشکل، مبانی مردم‌سالاری دینی، جایگاه و کارکرد مجلس و جریان‌شناسی سیاسی احزاب برگزار شد. در بخشی از نشست امین سلیمی با دانشجویان بیان کرد: «رسانه یک ابزار و سراسر فرم است. خلأخودنات را با رسانه پر نکنید. آنچه اصالت دارد، ماموریتی است که در حال انجام است و رسانه یک ابزار در اختیار آن ماموریت است. رسانه از کلمه آغاز می‌شود و به تصویرسازی و شبکه‌سازی می‌رسد.» رقیه فاضل، استاد دانشگاه نیز، در بخشی از نشست خود با دانشجویان درباره عدالتخواهی بیان کرد: «عدالتخواهی اساساً در بستری دینی طرح می‌شود. ما از سر دغدغه تدین و شریعت به این سمت می‌رویم.» او در ادامه درباره لیست‌های انتخاباتی بیان کرد: «این لیست‌ها در مقام مشورت هستند. رهبری گفتند من از لیست‌ها مشورت می‌گیرم و به حزب خاصی نیز اشاره نکردند. حق ندارید مردم را مجبور به رای دادن به فرد خاصی کنید.»

یادداشت چگونه فارسی را پاس بداریم؟

عباس محمدی رئیس باشگاه رشد استعداد‌های هنری و ادبی جوان

در یک جست‌وجوی ساده اینترنتی با موضوع اهمیت زبان فارسی و پاسداشت آن، آنچه بیش از همه به چشم می‌آید دغدغه رهبر فرزانه انقلاب است که با تازاب آن رامی توان در بیانات‌شان که بیش از دو دهه را در برمی‌گیرد، یافت. این دغدغه تا جایی است که ایشان توصیه می‌کنند زبان علم فارسی شود یا در خطوط پروازی به جای استفاده از زبان بیگانه زبان فارسی معیار شود. ایشان حتی برای بیان اهمیت و ضرورت توجه به عنصر زبان از عنوان شبیخون فرهنگی تا ناتوی فرهنگی را به کار بسته‌اند. حتی اگر دقیق شویم در بیانیه گام دوم و جهاد تبیین می‌توان به تاثیر تمدن‌ساز زبان و اهمیت پاسداری از زبان فارسی پی برد. اما متأسفانه همچنان در بر همان پاشنه می‌چرخد و مسئولانی که باید بیش از همه در خط مقدم عمل به این مهم باشند – از مدیران کلان بگیرند تا میانی – حتی گفتار فارسی را رعایت نمی‌کنند که نمونه‌های از مثابه مشمت آن را، می‌توان در برنامه‌های آقای امید جلوداربان دید. بدیهی است که نگارنده خیلی هم قائل به بسیاری از واژگان نجسب فرهنگستانی نیست اما آنچه روشن است؛ این است که یکی از شیوه‌های اضمحلال یک تمدن از بین بردن زبان آنهاست. همان‌گونه که امروز بیشتر مردم تاجیکستان حتی نمی‌توانند یک بیت شاهنامه نوشته شده به زبان فارسی را بخوانند و فارسی آنها تنها و تنها شنیداری است.

نکته اینجاست که عنصر نوشتاری زبان یک عنصر بسیار مهم و موثر در پاسداشت زبان است که کمتر بدان توجه شده است و متأسفانه هر روز رسم الخط‌هایی نوظهور همانند عرفان‌های دم‌دمستی و قارچ‌گونه این روزگار از هر سو سربرمی‌آورند و هیچ نهادی نمی‌تست که خود را مسئول پیشگیری یا جلوگیری از انتشار آنها بداند و بر همین اساس و به بهانه صورت نوشتاری ترجیحی نویسنده چه کتاب‌هایی منتشر نشده و نمی‌شوند و هر کدام از

این کتاب‌ها نتیجه‌ای است بر ریشه زبان فارسی. نامه‌های اداری را هم بر اینها بیفزایید. فرقی هم ندارد کدام نهاد یا اداره باشد. در همه آنها مشترکات بسیاری از جمله کاربرد «فرم» به جای کاربرد، یا کد به جای شماره، لیست به جای فهرست، آرشيو به جای بایگانی «و بسیاری واژگان رنگی دیگر از این دست به چشم می‌آید. اما آنچه دردناک است کاربرد این اصطلاحات رنگی گفته شده یا دیگر واژگان رنگی یا واژگان نادرست در دانشکده‌های زبان و ادبیات فارسی است. مثلاً کاورست واژه نادرست «استاد» به جای «استادان» یا دج عنوان رنگی «فرم» در سربرگ‌های اداری و همچنین استفاده از واژگان بیگانه برای نام دفاتر یا ساختمان‌ها، از جمله «آرشيو»، «اتاق استاید» و «بلوک...»، البته سال‌هاست که ادارای به نام «پست» داریم. حال بر همه اینها عنوان‌های جذاب با استفاده از واژگان بیگانه در کنار غلط‌های نگارشی بسیار در خیرگزاری‌ها و مطبوعات را هم بیفزاید. چرا نباید یک رصد‌خانه زبان فارسی باشد تا وقتی مجریان و گویندگان رسانه ملی، خیرگزاری‌های رسمی، وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها و ویژه دانشکده‌های زبان و ادبیات فارسی، موسسات انتشاراتی و... که موظف به پاسداشت و ترویج زبان فارسی‌اند به بدیهیات توجهی ندارند رنگ خطر را به صدا درآورد.

چینی ها برترین تولیدکننده انرژی خورشیدی در دنیا



ندا اظهري

مترجم

هر چه جلوتر می رویم، انرژی های طبیعی در جهان رو به اتمام می رود؛ از این رو، دانشمندان سال هاست به دنبال راه هایی برای تولید انرژی های جایگزینی هستند که بتوانند در فقدان انرژی های طبیعی، از آنها برای تامین نیاز خود در صنایع و بخش های مختلف استفاده کنند. یکی از همین راه های جایگزین استفاده از پنل های خورشیدی است که برای تبدیل نور خورشید به الکتریسیته مورد استفاده قرار می گیرد. این پنل های

پنل هایی برای تولید برق

پنل های خورشیدی، فناوری هایی هستند که نور خورشید را با استفاده از سلول های فتوولتائیک (PV) به الکتریسیته تبدیل می کند. این سلول ها از موادی ساخته شده اند که در مواجهه با نور، الکترون های برانگیخته تولید می کنند. الکترون ها از طریق یک مدار جریان پیدا می کنند و جریان مستقیم (DC) الکتریسیته تولید می کنند که می تواند برای تغذیه دستگاه های مختلف به کار رود یا در باتری ها ذخیره شود. پنل های خورشیدی به عنوان پنل های سلول خورشیدی، پنل های برق خورشیدی یا ماژول های PV نیز شناخته می شوند. پنل های خورشیدی معمولاً در گروه هایی موسوم به آرایه یا سیستم چیده می شوند. یک سیستم فتوولتائیک از یک یا چند پنل

خورشیدی منبع انرژی های پاک و تجدیدپذیری هستند که علاوه بر تامین انرژی، به کاهش گازهای گلخانه ای و کاهش مصرف انرژی برق نیز کمک می کنند. با تداوم گرمایش کره زمین، وقوع فجایع اقلیمی نیز شدت یافته است. در این میان، آمریکا مقرر کرده است که تا سال ۲۰۳۵ بتواند به هدف ۱۰۰ درصدی تولید انرژی پاک دسترسی پیدا کند؛ هدفی که به ساخت نیروگاه های بادی و خورشیدی در مقیاس بزرگ بستگی دارد. از این رو، تلاش همه جانبه ای برای تولید انرژی های سبز در آمریکا در حال انجام است و انتظار می رود انرژی های تولید شده از باد و خورشید در آمریکا تا سال ۲۰۲۵ به ۱۹ درصد برسد.

خورشیدی، یک تبدیل کننده یا اینورتر برای تبدیل جریان مستقیم الکتریسیته DC به جریان متناوب AC، کنترل کننده، ردیاب ها و دستگاه سنجش تشکیل می شود. یک سیستم فتوولتائیک را می توان برای تامین برق برای کاربردهای خارج از شبکه مانند خانه ها یا کابین های دورافتاده، یا برای تغذیه برق به شبکه استفاده کرد. پنل های خورشیدی به طور گسترده برای کاربری های مسکونی، تجاری و صنعتی و نیز کاربردهای فضایی و حمل و نقل استفاده می شود. پنل های خورشیدی به شکل های مختلف زمینی، عمودی، سقفی، سایبان خورشیدی و پرتابل یا قابل حمل در دنیا وجود دارد که بسته به نیاز مورد استفاده قرار می گیرند.

سرمایه گذاری ۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد دلاری دنیا در بخش انرژی

انرژی های تجدیدپذیر در آمریکا تنها ۰.۲ درصد از کل پتانسیل انرژی تجدیدپذیر موجود در سال ۲۰۳۰ را به کار گرفتند. تنها ۰.۳ درصد از انرژی های خورشیدی موجود در آمریکا صرف تولید برق می شود. با وجود تلاش هایی که کشورهای مختلف برای رها شدن از سوخت های فسیلی در دستور کار خود قرار داده اند، باز هم انتظار می رود این سوخت ها تا چند دهه آینده نیز همچنان غالب باشد. طبق گزارش آژانس بین المللی انرژی، کشورها از مجموع سرمایه گذاری ۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد دلاری در بخش انرژی در سال ۲۰۲۳ حدود ۱.۷۵ دلار در انرژی پاک سرمایه گذاری کرده اند. در واقع، به ازای هر دلاری که برای سوخت های فسیلی هزینه می شود، ۱.۷ دلار صرف انرژی پاک می شود.

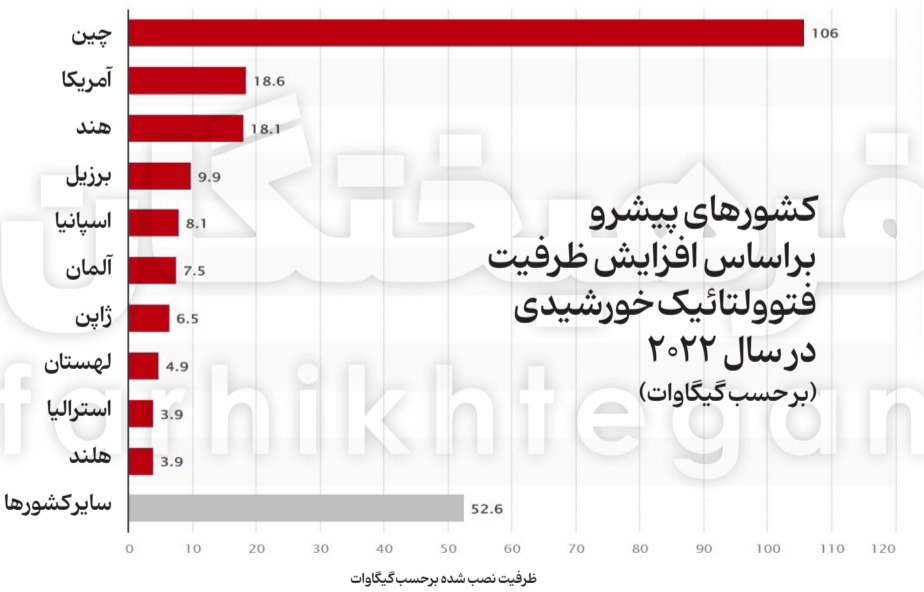
به گزارش usatoday، چشم انداز صنعت خورشیدی در دنیا به سرعت در حال تغییر است. در میان محدودیت های زنجیره تامین، جنگ های سیاسی و قوانین پیشگامانه، انرژی های خورشیدی در ایالت های آمریکا از محبوبیت بالایی برخوردارند. نور خورشید به عنوان یک منبع انرژی تجدیدپذیر، بزرگترین منبع انرژی بالقوه روی کره زمین است. با وجود این، تنها کسری از این انرژی که به زمین می رسد، جذب شده و برای تولید برق مورد استفاده قرار می گیرد. آمریکا به اندازه کافی منابع تجدیدپذیر را برای تولید ۱۰۰ برابری برق مورد نیاز کشور در سال در اختیار دارد. انرژی خورشیدی، در مقایسه با هر منبع انرژی تجدیدپذیر دیگری، از پتانسیل بیشتری برای تولید برق در آمریکا برخوردار است. با وجود این، فناوری های

چین بالاترین تولیدکننده انرژی خورشیدی در دنیا

توجهی کمتر از چین به ظرفیت آن اضافه شده است. در سال ۲۰۲۲، ظرفیت کلی فتوولتائیک خورشیدی چین به بیش از ۴۱۴ گیگاوات رسید که بیشتر از مجموع ظرفیت های کلی آمریکا، ژاپن و هند بوده است. ظرفیت جدید پنل های نصب شده چین در دهه گذشته روندی رو به رشد را نشان داده است. البته جای تعجب نیست که چین مرکز بسیاری از شرکت های بزرگ فتوولتائیک خورشیدی مانند Jinko Solar است. این شرکت در سال ۲۰۲۲، سالانه درآمدی بالغ بر ۱۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار را کسب کرد. بعد از چین و آمریکا، هند با ظرفیت تولید ۱۸.۱ گیگاوات انرژی خورشیدی در دهه سوم قرار گرفت. اما بعد از آن، برزیل با اختلاف زیاد با ظرفیت تولید انرژی خورشیدی حدود ۹.۹ گیگاوات در دهه چهارم جا خوش کرده است. پس از آن نیز اسپانیا با ظرفیت تولید ۸.۱ گیگاوات، آلمان با ۷.۵ ژاپن با ۶.۵، لهستان با ۴.۹، استرالیا و هلند با ۳.۹ گیگاوات ظرفیت در دهه های پنجم تا دهم قرار گرفتند.

رویتز عنوان کرده است که چین از نظر ظرفیت پنل های خورشیدی نصب شده، با اختلاف رتبه نخست تولید انرژی خورشیدی را در جهان از آن خود کرده است. در آمارهایی هم که از سوی statista منتشر شده، چین در سال ۲۰۲۲ با ۱۰۶ گیگاوات انرژی، بالاترین تولید ظرفیت فتوولتائیک خورشیدی را در جهان به خود اختصاص داد. ظرفیت جمععی فتوولتائیک خورشیدی جهان در ۲۰ سال گذشته به شدت افزایش یافته است، به طوری که در سال ۲۰۰۰ میلادی، ظرفیت تولید این انرژی به بیش از یک گیگاوات رسید و تا سال ۲۰۲۱ از یک تراز نیز فراتر رفت. انتظار می رود با افزایش نقش انرژی های تجدیدپذیر در ترکیب انرژی های جهانی، ظرفیت خورشیدی همچنان افزایش یابد. آمریکا که دومین کشور تولیدکننده انرژی های خورشیدی در دنیاست، ظرفیت فتوولتائیک خورشیدی خود را ۱۸.۶ گیگاوات در سال ۲۰۲۲ افزایش داد.

به رغم این که آمریکا از نظر نصب ظرفیت های جدید پنل های خورشیدی در دنیا رتبه دوم را در اختیار دارد، به میزان قابل



کشورهای پیشرو براساس افزایش ظرفیت فتوولتائیک خورشیدی در سال ۲۰۲۲ (برحسب گیگاوات)

رکوردشکنی در تولید برق از انرژی خورشیدی

به گزارش euronews، در رکوردی که در سال ۲۰۲۳ شکسته شد، انرژی خورشیدی به اندازه کافی برق تولید کرد که بتواند ۵۷ درصد از نیاز اتحادیه اروپا را در سال ۲۰۲۳ برآورده کند. نصب پنل های خورشیدی سقفی در جهان در سال ۲۰۲۲ با رشد ۴۹ درصدی همراه بود. افزایش پنل های سقفی به ارزش ۱۱۸ گیگاوات برای تامین انرژی ۳۶ میلیون منزل مسکونی در دنیا کافی بود. انرژی خورشیدی در مجموع ۴۵

درصد رشد کرد و به ۱.۲ ترازوات انرژی رسید که انرژی تجدیدپذیر را در مسیر تولید ۱۶۱۲ ترازوات ساعت برق در سال ۲۰۲۳ قرار داد. این معادل ۵۷ درصد از کل تقاضای انرژی اتحادیه اروپاست. در حالی که دنیا به سمتی پیش می رود که مردم دنیا بیش از هر زمان دیگری به انرژی های خورشیدی روی آورده اند، با توجه به بحران های انرژی و آب و هوایی، امید به این قبیل انرژی ها همچنان بیشتر می شود.

نییمی از برترین کشورها اروپایی اند

خورشیدی در لهستان انتظارات را پشت سر گذاشته است که بیشتر به دلیل افزایش سیستم های کوچک سقفی نصب شده است که به صاحبان منازل مسکونی امکان می دهد برای تولید و نیز مصرف انرژی برق از دولت پاداش دریافت کنند. در میان این ۲۶ کشور دنیا، ۲۰ کشور، ظرفیت های محدود شبکه را به عنوان مانع اصلی بر سر راه توسعه پنل های خورشیدی عنوان کرده اند. ظرفیت محدود شبکه و فقدان انعطاف پذیری با ذخیره سازی در سیستم های برق ملی، خطری حیاتی برای انتقال انرژی خورشیدی در جهان به همراه دارد.

در سال ۲۰۲۲، تعداد کشورهایایی که در زمینه تولید انرژی های خورشیدی فعالیت داشتند و به عنوان کشورهایایی که حداقل یک گیگاوات در سال پنل خورشیدی نصب می کنند، از ۱۲ به ۲۶ کشور افزایش یافت. این گزارش ها پیش بینی می کند تا سال ۲۰۲۵، بیش از ۵۰ کشور، سالانه بیش از یک گیگاوات پنل خورشیدی نصب کنند. کشورهای اروپایی با ۱۲ کشور، رتبه سنگین کشورهای نصب کننده پنل های خورشیدی را در اختیار دارند که در راس آنها اسپانیا، آلمان، لهستان، هلند و ایتالیا قرار دارند. توسعه پنل های

پیش بینی رشد ۴۰ درصدی ساخت پنل های خورشیدی آمریکا تا ۲۰۲۷

به گزارش ecowatch، آمارها حکایت از آن دارد که صنعت انرژی ها و پنل های خورشیدی همچنان در حال رشد است. در این میان، حدود ۳۴ درصد از برق تولید شده در آمریکا از انرژی های خورشیدی تامین می شود که این رقم در سال ۲۰۲۱ حدود ۲.۸ درصد بود که در سال ۲۰۲۲ با رشد ۰.۶ درصدی رو به رو بوده است. علاوه بر این، انرژی خورشیدی ۱۵.۹ درصد از برق تولید شده توسط منابع تجدیدپذیر در سال ۲۰۲۲ را به خود اختصاص داده است. ۴۵ درصد از ظرفیت اضافه شده به شبکه برق آمریکا در نیمه نخست سال ۲۰۲۳ از انرژی خورشیدی بوده است. در این بین، ظرفیت انرژی های تجدیدپذیر جدید در سال ۲۰۲۳ به میزان ۱۰۷ گیگاوات افزایش یافت که بیشترین میزان تاکنون بوده است. تقاضای بالا برای منابع انرژی تجدیدپذیر

و قوانینی که در این رابطه وضع می شوند، به این معنی است که آینده انرژی خورشیدی در آمریکا روشن است. بر همین اساس قرار است انرژی خورشیدی ۶۷ درصد از رشد ظرفیت انرژی های تجدیدپذیر در سال ۲۰۲۳ را به خود اختصاص دهد. انتظار می رود پنل های جدید خورشیدی با افزایش نزدیک به ۲۰۰ گیگاوات، رکورد دیگری را در سال ۲۰۲۳ بشکنند. به دنبال قانون کاهش تورم در آمریکا که در اگوست ۲۰۲۲ تصویب شد، ساخت پنل ها و تاسیسات خورشیدی تقویت شد؛ از این رو، کارشناسان پیش بینی کرده اند ساخت پنل ها و تاسیسات خورشیدی بین سال های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۷ با رشد ۴۰ درصدی همراه باشد. پیش بینی می شود ظرفیت تولید جهانی PV خورشیدی در سال ۲۰۲۴ به حدود ۱۰۰۰ گیگاوات برسد.

رشد ۳۰٫۷ درصدی کارگران صنعت خورشیدی آمریکا

به تناسب رشدی که در میزان ساخت پنل های خورشیدی در آمریکا ایجاد شده، مشاغل مرتبط با این حوزه نیز رشد کرده اند، به طوری که صنعت انرژی های خورشیدی از زمان وضع اعتبار مالیاتی بر سرمایه گذاری انرژی های خورشیدی در سال ۲۰۰۶ با رشد بیش از ۲۰۰ برابری همراه بوده است. صنعت انرژی های خورشیدی میلیاردها دلار به اقتصاد آمریکا کمک کرده و تاکنون صدها هزار شغل در این کشور ایجاد کرده است. تا سال ۲۰۲۲، بیش

از ۳۴۶ هزار نفر در صنعت انرژی های خورشیدی آمریکا مشغول به کار شده اند که حداقل نییمی از زمان خود را صرف تولید انرژی خورشیدی می کنند. تعداد کارگران این صنعت در آمریکا بین سال های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ حدود ۳۷ درصد افزایش یافته و ۱۲ هزار و ۲۵۶ شغل به این صنعت اضافه شده است. در این میان، سهم زنان شاغل در این صنعت از ۲۷ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۳۱ درصد در سال ۲۰۲۲ افزایش داشته است.

رشد ۴۳ درصدی بازار جهانی پنل های خورشیدی

پیش بینی های صورت گرفته حکایت از آن دارد که بازار جهانی پنل های خورشیدی بین سال های ۲۰۲۴ تا ۲۰۳۱ با نرخ قابل توجهی افزایش یابد. در سال ۲۰۲۲، بازار این صنعت با نرخ ثابتی رشد کرد و با اتخاذ استراتژی های رو به رشد توسط فعالان اصلی این حوزه، انتظار می رود همچنان این روند رو به رشد ادامه داشته باشد. آمریکا شمالی همچنان نقش مهمی را در این فرآیند ایفا خواهد کرد و نمی توان نقش آن را نادیده گرفت. هرگونه تغییری که در آمریکا

رخ دهد، می تواند روند توسعه پنل های خورشیدی را تحت تاثیر قرار دهد. به گزارش solarpowereurope، در سال ۲۰۲۲، جهان ۲۳۹ گیگاوات پنل خورشیدی جدید نصب کرد که در نهایت از مقیاس جهانی پیشی گرفت که در مقایسه با سال ۲۰۲۱ با افزایش ۴۵ درصدی در ظرفیت انرژی خورشیدی همراه بوده است. این روند رو به رشد در سال ۲۰۲۳ به حدود ۳۴۱ گیگاوات انرژی خورشیدی افزایش یافت که به رشد ۴۳ درصدی همراه بود.

اعزام لشکر ۳۶ زرهی ارتش رژیم صهیونیستی به شمال لبنان چه تحولی در جنگ را نشان می‌دهد؟

موفقیت لبنان در ماموریت غزه



سیدمهدی طالبی خبرنگار گروه جهان‌شهر

صهیونیست‌ها با وجود تعداد بالای سربازان و حجم زیاد تجهیزات نظامی، به دلیل محاصره شدن توسط میدان‌های جنگی متعدد در محیطی کوچک مجبورند همانند هیتلر در جریان محاصره برلین پراسترس بجنگند- جایی‌که رهبر آلمان نازی با نیرو و تجهیزات اندک باقی‌مانده باید با ارتش‌های متفق می‌جنگید- و شاید با اقدامی مانند صدور دستور حمله به لبنان دست به خودکشی بزنند. فشار سنگین جبهه لبنان باعث شد تا براساس آنچه رادیو ارتش رژیم صهیونیستی روز ۲۲ بهمن گزارش کرد، «هرتز هالوی» رئیس ستاد مشترک این ارتش دستور بدهد لشکر۳۶ زرهی به‌طور کامل از جنگ غزه خارج شده و در مرز با لبنان مستقر شود. این انتقال در زمان نیاز شدید ارتش رژیم به این یگان در جریان جنگ غزه رخ داده است؛ اتفاقی که حکایت از گرم‌تر شدن وضعیت دیگری‌ها در جبهه شمال در مجاورت مرزها با لبنان و جولان اشغالی دارد.

مقاومت لبنان برای حمایت از مقاومت غزه از روز دوم جنگ عملیات علیه ارتش رژیم را آغاز کرده است. طبق بیانیه مقاومت اسلامی لبنان از ۸ اکتبر تا ۱۱ فوریه ظرف مدت ۱۲۷ روز، ۱۰۱۳ عملیات توسط این گروه علیه رژیم به انجام رسیده است.

این عملیات‌ها باعث شده ۸۰ هزار صهیونیست بدون آنکه مقاومت لبنان آنها را هدف گیرد، تنها به دلیل هراس از وقوع اتفاقی مشابه ۱۷ اکتبر و حمله ناگهانی و زمینی، شهرک‌های خود را به سمت مناطق داخلی فلسطین اشغالی ترک کنند. آنها شرط کرده‌اند تنها در صورت عقب‌نشینی مقاومت لبنان به پشت رودخانه لیطانی به خانه‌های خود باز می‌گردند. این شرط باعث شده تل‌آویو نیز بیروت را به آغاز جنگ تهدید کند. رژیم طی هفته‌های اخیر و درحالی‌که نیروهای خود را به دلیل تلفات و خستگی از جنگ غزه خارج کرده و به مقر اصلی خود در شمال منتقل می‌کرد، ادعا داشت که این اقدامش «باژگشت نیروها» نیست بلکه «انتقال نیروها» برای جنگ با لبنان است. با این وجود عدم ظرفیت رژیم برای آغاز جنگ در جبهه لبنان موضوعی قابل لمس است. گردان‌های قسام در آخرین اطلاع‌رسانی خود از مجموع حملاتش به تجهیزات زرهی رژیم اعلام کرده از آغاز جنگ در غزه ۱۱۰۸ خودروی زرهی اشغالگران اسرائیلی ازجمله ۹۶۲ تانک، ۵۵ نفر، ۷۴ بولدوزر، ۳ بیل مکانیکی نظامی و ۱۴ جیب نظامی مورد هدف قرار گرفته‌اند. تعداد تانک‌های آسیب دیده، یک سوم کل تانک‌های عملیاتی رژیم است. هرچند نمی‌توان با اطمینان از نیات صهیونیست‌ها صحبت کرد اما به نظر می‌رسد آنها توانایی آغاز جنگی شدیدتر از غزه را ندارند.

اهمیت لشکر ۳۶ و انتقال آن

یگان‌های زمینی ارتش رژیم به سه دسته «سپاه زرهی»، «سپاه پیاده» و «سپاه توپخانه» تقسیم می‌شوند. به‌طور معمول برای بررسی استعداد یگان‌ها، صرفاً نیروهای پیاده و زرهی مورد محاسبه قرار می‌گیرند. ارتش رژیم دارای دو نوع یگان به لحاظ نحوه ماموریت نیروهای انسانی است. دسته نخست یگان‌های فعال هستند که بدنه اصلی نیروی زمینی را تشکیل می‌دهند. نیروهای این یگان‌ها به‌صورت تمام‌وقت در اختیار ارتش هستند و به همین دلیل آموزش دیده‌تر نیز به حساب می‌آیند.

دسته دوم را نیروهای ذخیره تشکیل می‌دهند. نیروهای ذخیره کسانی هستند که پس از اتمام «سربازی عادی» وارد دوره «سربازی ذخیره» شده و تا سن مشخصی جزئی از یگان‌های ذخیره خواهند بود. این سربازان ذخیره همانند سربازان عادی به‌صورت تمام‌وقت در اختیار ارتش نیستند اما در سال چند روزی یا چند هفته برای حفظ آمادگی در یگان‌های محل خدمت خود حضور یافته و به تمرین می‌پردازند. از این رو «سپاه»‌های نیروی زمینی ارتش رژیم دارای دو گروه از یگان‌ها هستند: یگان‌های فعال با کادر تمام وقت نظامی و یگان‌های ذخیره که تنها در دوران تشدید تنش و جنگ فراخوانده می‌شوند و در مابقی ایام به خدمت و آموزش نیمه‌وقت می‌پردازند. با توجه به این تعاریف بهتر می‌توان ساختار نیروی زمینی ارتش رژیم را درک کرد. «سپاه زرهی» دارای ۴ تیپ فعال و ۹ تیپ ذخیره است. «سپاه پیاده» نیز دارای ۴ تیپ فعال و ۱۳ تیپ ذخیره است. سپاه زرهی در مجموع ۱۳ تیپ و سپاه پیاده در مجموع ۱۹ تیپ دارند. در مجموع نیروی زمینی دارای ۱۰ تیپ فعال، ۲۲ تیپ ذخیره و در کل از ۳۲ تیپ بهره می‌برد. لشکر ۳۶ لقب «گاش» را که «خشم» معنی می‌دهد یکد می‌کشد و دارای ۴ تیپ است. ۲ تیپ آن پیاده و ۲ تیپ آن زرهی هستند. ۳ تیپ این لشکر جزه یگان‌های فعال و تنها یک تیپ پیاده آن جزء یگان‌های ذخیره است. تیپ ۱ پیاده موسوم به «گولانی» که مهم‌ترین یگان نیروی زمینی ارتش رژیم است به همراه تیپ ۶ پیاده، دسته پیاده نظام لشکر را تشکیل می‌دهند. تیپ ۷ زرهی و تیپ ۱۸۸ زرهی نیز جزء دسته زرهی لشکر هستند.

نکته مهم آنکه لشکر۳۶ دارای ۳ تیپ فعال از میان ۱۰ تیپ فعال نیروی زمینی است و تنها یکی از تیپ‌های ذخیره آن جزئی از ۲۲ تیپ ذخیره به شمار می‌رود. بر همین اساس لشکر۳۶، ۳۰ درصد یا یک‌سوم یگان‌های فعال نیروی زمینی را در اختیار دارد. تا پیش از این ارتش رژیم تنها یگان‌های ذخیره خود را در شمال مستقر کرده بود. این درحالی بود که لشکر۳۶ تحت هدایت فرمانده‌های شمال مستقر در شهر «صغد» قرار داشت و برای ماموریت راهی جنوب و جنگ در غزه شده بود. انتقال این لشکر به شمال با مخالفت فرماندهی جنوب که درگیر جنگ در غزه است روبه‌رو شده اما «عود باسیرک»، رئیس اداره عملیات طی هفته‌های اخیر بر لزوم حذف این لشکر از غزه و انتقال آن به شمال تأکیدکرده و گفته که باید یک لشکر منظم جایگزین نیروهای ذخیره حاضر در مرز لبنان شوند.

تقویت جبهه شمال نشان‌دهنده چیست؟

تقویت یگان‌های ذخیره با یگان‌های فعال در جبهه شمالی می‌تواند هم‌زمان نشان‌دهنده چند تحول باشد. یک تحول تشدید عملیات‌های مقاومت لبنان در شمال فلسطین اشغالی است. این نیروها تأکید کرده بودند عملیات‌هایشان مرتبط با اوضاع انسانی و میدانی در غزه است و با بروز هر تغییر در این موضوعات، درگیری‌ها در شمال فلسطین اشغالی نیز دچار تغییر خواهند شد. طبق آمارهای شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم میزان تخریب پنج استان غزه به این ترتیب است: استان شمال ۷۲ درصد، استان مرکزی با بدیلج ۳۹ درصد، استان خان یونس ۴۶ درصد و استان رفح ۲۰ درصد کاملاً تخریب شده‌اند. ارتش رژیم که تا کنون به شکل زمینی در شمال و مرکز غزه حضور یافته بود قصد دارد به‌صورت زمینی وارد استان رفح نیز بشود. این منطقه که تا پیش از جنگ ۳۰۰ هزار نفر جمعیت داشت هم‌اکنون میزبان یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از دو میلیون

و ۳۰۰ هزار ساکن نوار غزه است. ۶۵ درصد یا دوسوم جمعیت نوار غزه در رفح متمرکز شده و تراکم این منطقه به ۱۲ هزار نفر در هر کیلومتر مربع رسیده است. نیروهای مقاومت لبنان با توجه به اوضاع وخیم انسانی در غزه بر شدت حملات خود علیه رژیم افزودند که شامل به‌کارگیری تسلیحات جدید از جمله موشک‌های پیشرفته ضدتانک الماس است که می‌توانند از جهات گوناگون به اهداف حمله کنند؛ این موشک‌ها محدودیت موشک‌هایی همانند کورنت را که باید در یک خط مستقیم پرتاب شوند، ندارند.

موضوع دیگری که باعث انتقال یا بازگرداندن یگان‌های فعال به شمال فلسطین اشغالی شده است، خستگی یگان‌های ذخیره است. در همین رابطه رادیو ارتش اسرائیلی گزارشی آورده است «اداره جنگ برای مدت طولانی در بیش از یک جبهه آن هم با محدود بودن نیروها پیچیدگی‌هایی دارد و ارتش مجبور شده است تا بخشی از نیروهای ذخیره در شمال و کرانه‌باختری را برای مدتی استراحت به مخصی بفرستد». بیشتر از چهار ماه جنگ و حضور در شرایط عملیاتی که بهترین یگان‌های نظامی نیز قادر به حفظ آمادگی خود در آن نیستند، باعث شده تمام یگان‌های حاضر در جنگ رژیم دچار آسیب شوند. بر همین مبنا بود که تیپ ۱ گولانی چندی پیش برای بازسازی از غزه به عقب کشیده شد.

وضعیت کلی ارتش رژیم

برای دستیابی به وضعیت کلی قوای نظامی رژیم، باید وضعیت سه شاخه زمینی، هوایی و دریایی به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. در بخش نیروی زمینی، یگان‌های ذخیره به دلیل طولانی شدن جنگ، به اصطلاح «بریده» و کم آورده‌اند. یگان‌های فعال نیز ضرباتی سنگین دریافت کرده‌اند که با توجه به آموزش‌های زمانبر نیروها، جایگزینی نیروهایشان به چند سال زمان نیاز دارد. برای فهم ابعاد این تلفات می‌توان به ضربات وارده به یک یگان ارتش در یک روز اشاره کرد. هر تیپ در ارتش رژیم بین دو تا پنج هزار نیرو دارد. اگر تعداد نفرات تیپ گولانی را بیشترین میزان، یعنی پنج هزار نفر در نظر بگیریم، با توجه به کشته شدن ۲۲ نفر از نیروهای این تیپ در ۷ اکتبر، گولانی در روز نخست جنگ ۱،۵ درصد از نیروهای خود را از دست داده است. این به غیراز نیروهایی است که به اسارت درآمده، معلول شده یا به‌شدت زخمی شده‌اند. در یک برآورد کلی، استعداد نیروی زمینی ارتش رژیم که دارای ۱۲۸ هزار نیروی فعال بود، با جذب ۲۲۰ هزار نیروی ذخیره به ۳۴۸ هزار نفر رسید. با این حال با توجه به پیچیدگی تیرهای غزه، تلاش شد از نیروهای فعال به نسبت ذخیره‌ها بیشتر استفاده شود؛ استفاده از نیروهای ذخیره تنها می‌توانست به بروز تلفات بیشتر بینجامد بدون آنکه آنها بتوانند در میدان موثر واقع شوند. براساس آمارهای منتشرشده توسط رسانه‌های رژیم، تعداد معمولان ارتش به چهار تا پنج هزار نفر رسیده است، حتی اگر سه هزار نفر از این معلولان را از میان یگان‌های فعال در نظر گرفته شوند، سه درصد نیروهای فعال رژیم در غزه معلول شده‌اند.

علاوه‌بر غزه، در شمال نیز دو هزار تلفات شامل کشته، معلول و زخمی روی دست صهیونیست‌ها مانده است. مشکلات صهیونیست‌ها اما تنها به آسیب‌های فیزیکی محدود نمی‌شود. براساس گزارش روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارائوت ۹ هزار نظامی رژیم از ابتدای جنگ درخواست مشاوره روانی داشته و یک‌چهارم آنها پس از این درخواست به نبردهای غزه بازنگشته‌اند. این تعداد معادل ۲،۵ درصد از کل نیروهای

نظامی فعال و ذخیره در بخش زمینی ارتش رژیم هستند. فشار به پرسنل زمینی ارتش رژیم باعث شده طی هفته‌های اخیر قوانین سربازی در فلسطین اشغالی تغییر کند. در تغییرات جدید در «سربازی عادی» مدت سربازی مردان از ۳۲ ماه به ۳۶ ماه و زنان از ۲۴ به ۳۶ ماه افزایش می‌یابد که شامل حال شمولان فعلی نیز می‌شود. همچنین در «سربازی ذخیره» نیز تعداد روزهای حضور در یگان‌های ذخیره سه‌برابر می‌شود. براساس قانون جدید، هر یک از نیروهای ذخیره به‌طور متوسط سالانه ۲۲ روز، فرماندهان ۷۰ روز و افسران به‌طور متوسط ۸۴ روز ذخیره در سال مجبور خواهند شد در یگان‌های ذخیره حاضر شوند. در بخش هوایی آسیب‌ها از نیروی زمینی کمتر است اما فرسایش جنگ دامنگیر آن نیز شده است. در بررسی بخش هوایی بدون توجه به نهاد کنترل‌کننده سامانه‌های پدافند هوایی، این بخش در کنار یگان‌های دارای جنگنده بررسی می‌شوند. فلسطین اشغالی در جنگ کنونی از سمت جبهه‌های غزه، لبنان، سوریه، عراق و یمن مورد حمله خمپاره، راکت، موشک‌های بالستیک تاکتیکی و میانبرد، موشک‌های کروز و پهپاد‌های انتحاری قرار گرفته است. تنها در جبهه غزه ۱۴ هزار راکت به سمت رژیم پرتاب شده است. این موضوع باعث کاهش ذخایر موشک‌های پدافندی رژیم شده که جایگزینی آنها زمانبر است. در حوزه هوایی نیز نیاز به بمباران چندین‌باره نوار غزه، فشار زیادی به ذخایر مهمات و بمب‌های رژیم وارد کرده است. از این رو نیروی هوایی در بخش جنگنده‌ها با مشکل از دست رفتن یا حتی معضل‌های تعمیراتی به دلیل ساعات بالای پروازی مواجه نیست، اما در بخش مهماتی دارای ضعف‌هایی شده است؛ با این حال همچنان زهدارترین قسمت ارتش رژیم نیروی هوایی است. در بخش دریایی، هرچند ناوهای رژیم در حملات علیه غزه مشارکت دارند اما به‌طور کلی نیروی دریایی در جنگ کنونی نقش کمی ایفا می‌کند. تل‌آویو تنها در دریای سرخ با تهدید در دریا روبه‌رو شده که آن تهدید نیز دریاپایه نیست؛ به این معنی که ارتش یمن بیشتر از آنکه با شناورهای خود به کشتی‌های تجاری رژیم حمله کند، آنها را با موشک‌های بالستیک، کروز و پهپاد‌های انتحاری هدف قرار می‌دهد. همچنین دربرودن این منطقه از فلسطین اشغالی و وسعت تهدید آن خارج از توان رژیم بوده و آمریکا و انگلیس مجور شده‌اند به‌طور مستقیم وارد تیردهای با ارتش یمن شوند.

توان‌تھا جمعی متعارف ارتش رژیم را باید تنها در نیروی زمینی و هوایی آن خلاصه کرد. نیروی زمینی به‌شدت تضعیف شده و به نظر نمی‌رسد آماده نبردی بزرگ باشد ولی نیروی هوایی به جز در بخش مهمات به لحاظ تجهیزاتی و نیروی انسانی سالم مانده است. محور مقاومت از امکانات لازم برای مهار نیروی هوایی رژیم برخوردار نیست چه اینکه ساقط کردن یک یا دو پهپاد یا حتی جنگنده نمی‌تواند به مهار نیروی هوایی رژیم به شکل فنی بینجامد اما راه‌هایی برای خنثی‌سازی آن وجود دارد. جنگ‌ها اساساً زمین‌پایه هستند، به‌ویژه جنگی که در خانه و نزدیکی آن و همچنین در محیطی بسیار کوچک باشد؛ وضعیتی که رژیم در آن قرار گرفته است. رژیم در تهدید لبنان به جنگ، خواهان یک نبرد دوراستاست که در آن نیروهای زمینی تنها نقش حفاظت از مرزها برای جلوگیری از نفوذ نیروهای مقاومت را برعهده دارند و نیروی هوایی در اعماق آسمان لبنان را ویران می‌کند. اگر مقاومت بتواند رژیم را با یک تهدید معتبر درخصوص هجوم زمینی روبه‌رو کند فایده استفاده از نیروی هوایی رژیم برای سن‌تل‌آویو کاهش خواهد یافت.

بجایگاه چهارمین نما: جنگ‌ها

سخنرانی همیشه خراز

سخانه‌های ایران

۲۹ بهمن تا اسفند ۱۴۰۲ | مصلا تهران

از رسانه‌های دیجیتال

دولت در حصار جنگ و ارشاد رسانه

شماره ششده ۱۶۶۵۷۱۵ - شماره مالف ۴۴۷۳

THE 24TH IRAN MEDIA EXPO

شکست بدون جنگ

رهبان اروپایی از ترس بازگشت ترامپ و خروج آمریکا از ناتو، به اتحاد بدون ایالات متحده فکرمی‌کنند

برای ۷۴ سال، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی مهم‌ترین اتحاد نظامی آمریکا بوده است. روسای جمهور هر دو حزب، ناتو را به عنوان نیرویی می‌دانستند که نفوذ ایالات متحده را با متحد کردن کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس برای دفاع از یکدیگر افزایش می‌داد. با پیروزی دونالد ترامپ، نه در آمریکا و نه حتی در اروپا دیگر چنین نگاهی وجود نخواهد داشت. در یک سوی این اتحاد، دونالد ترامپ کاندیدی اصلی حزب جمهوری خواه قرار دارد که در سال ۲۰۱۸ قصد داشت آمریکا را از ناتو خارج کند. او که در روزهای گذشته بارها اعضای ناتو را تهدید کرده است، روز شنبه در جدیدترین سخنانش گفته در صورتی که رئیس‌جمهور شود، روسیه را تشویق خواهد کرد هر کاری که دلش می‌خواهد با اعضای ناتویی که هزینه‌هایشان در این ائتلاف را پرداخت نمی‌کنند، انجام دهد. این اظهار نظر، متحدان ایالات متحده به ویژه مقامات کشورهای کوچک‌تر و آسیب‌پذیرتر ناتو را نگران کرده است، زیرا آقای ترامپ قبلاً گفته است وارد شدن به جنگ با روسیه برای دفاع از کشور کوچکی مانند مونت‌نگرو را به نفع منافع ملی آمریکا نمی‌داند.

در سال‌های گذشته رهبران اروپایی به چشم‌انداز اتحاد بدون ایالات متحده آمریکا نیز فکر کرده بودند. بلومبرگ چندی قبل گزارش داد اتحادیه اروپایی سرورسدا شروع به تهیه یک ارزیابی تأثیر از پیامدهای انتخابات نوامبر ایالات متحده کرده است و توجه ویژه‌ای به سناریویی که در آن ترامپ برنده می‌شود، داشته است. برخی از دیپلمات‌ها و مقامات دفاعی اروپایی می‌گویند در واقع، این ارزیابی مجدد ماه‌هاست که در حال انجام است، هرچند که آنها فقط به صورت غیرعلنی در مآعام به آن اشاره کرده‌اند. آنها مدت‌ها قبل از تهدید اخیر دونالد ترامپ بی‌سر و صدا در حال گفت‌وگو بودند که چگونه می‌توانند برای جهانی آماده شوند. که در آن آمریکا خود را به عنوان محور اصلی اتحاد ناتو، حذف می‌کند. تاکنون بحث در رسانه‌های اروپایی بر این موضوع متمرکز بوده است که آیا رئیس‌جمهور سابق در صورت بازگشت به قدرت، ایالات متحده را از ناتو خارج می‌کند یا خیر. اظهارات ترامپ بسیاری را در اروپا متحیر کرد، به ویژه پس از سه سال که جو بایدن، در تلاش برای بازگرداندن اعتماد به ائتلاف از دست‌رفته در طول ریاست جمهوری ترامپ، بارها گفته بود ایالات متحده «از هر جنب از خاک ناتو دفاع خواهد کرد»، در برلین، «نوربرت روتگن»، یکی از اعضای کمیته روابط خارجی پارلمان آلمان، در پلتفرم رسانه اجتماعی ایکس

سیاست نویدکیا: پول نه، فقط معاوضه!

منتظر محمد و باقری

فقط در ازای ۲ بازیکن استقلال

پرسپولیس بدون خریدهای جدید در اراک؟

مشکل فقط مالیات رادو نیست

شیرآقایی: بهترین اتفاق قهرمانی بامیانگین سنی پایین تر بود

گلات قهرمانی و اقبال لذت بخش بود

مهدی اولاد: شکستگی مچ پایم مدال طلایم را تبدیل به نقره کرد

از پارالمپیک پاریس ۲ طلا می خواهیم

پرسپولیس در آستانه تغییر و تحولات مدیریتی

استقلال در صف انتظار

درویشی رفتنی شد؟



عاشق شماره ۷ در استقلال هم ۷۷ را انتخاب کرد
مورد جالب ماشاریپوف



استقلال چگونه وارد نیم فصل دوم می شود؟
زمستان سخت نکونام

استقلال چگونه وارد نیم فصل دوم می شود؟

زمستان سخت نکونام

محمدرضا حاجی عبدالرزاق
میرنگار تیره ورزش

نیم فصل دوم رقابت های لیگ برتر درحالی از جمعه پیش رو برای جواد نکونام و تیمش آغاز می شود که به صورت کلی درباره وضعیت استقلال در نیم فصل دوم در مقایسه با نیم فصل اول و البته وضعیت تقویت سایر مدعیان در پنجره زمستانی شاید بتوان این طور نتیجه گیری کرد که آبی ها در امر تقویت فنی تا حدود زیادی ناکام مانده و باز هم مدیران باشگاه استقلال در روند جذب نیروهایی که نکونام درخواست جذب آنها را داده بودند نتوانستند نمره قبولی کسب کنند. در این بین و بعد از ناکامی از جذب دو لیست ابتدایی که نکونام آن را ارائه داده (که از نگاه مدیران به لیست هایی پرطمطراق و غیرممکن تعبیر شده بود) سرمربی استقلال لیست سومی را هم در همان روزهای باز شدن پنجره زمستانی ارائه داد که البته جذب نفرات این لیست در این مقطع زمانی شدنی نیست اما با دست روی دست گذاشتن مستدشینان باشگاه، از این لیست هم نفرات زیادی جذب نشدند تا به دلایلی مشخص در این میان در کنار بازگشت سیلوا، فقط یک بازیکن خارجی جذب باشگاه شود!

بنابراین اگرچه استقلال های زیادی برای عدم تقویت آبی هابرای نیم فصل دوم وجود داشته باشد اما گذر زمان می تواند این فرضیه را به اثبات برساند که تنها با خرید یک ستاره ازبک و بازگشت سیلوا، استقلال به معنای واقعی کلمه تقویت شده یا اینکه برخلاف میل هوادارانش، در کوران رقابت ها کم می آورد و باز هم در انتهای مسیر با مشکل مواجه می شود. البته در این بین با بررسی ترکیب آبی مابتر می توان به این سوال پاسخ داد که آیا در نیم فصل، استقلال برای کسب عنوان قهرمانی در فصل جاری و در رقابت با مدعیانی مانند پرسپولیس، سپاهان، تراکتور و سایرین واقعا تقویت شده یا خیر.

جواد می خواهد روی اصولش بماند

استقلال در فصل جاری کار را با سیستم چهار دفاع خطی آغاز کرد. اگرچه این تیم از دو بازی ابتدای فصل هم موفق به کسب شش امتیاز شد اما در ادامه و از بازی با سپاهان که اتفاقا شاگردان نکونام یکی از بهترین نمایش های فصل خود را ارائه دادند (با وجود شکست) تا ۱۳ هفته بعد؛ استقلال به سیستم سه دفاعه پایبند مانده و با وجود آن که در ادامه و با مصدوم و محروم شدن برخی نفرات دفاعی، دست نکو برای این سیستم خالی ماند اما او روی اصول فنی خود استوار مانده و به قیمت بازی دادن به بازیکنی غیرتخصصی در خط دفاعی (صالح خردانی) هرگز از تداوم بازی با سه دفاع عدول نکرده تا سیستم پایه ۲-۵-۳ را برای استقلال در عمده دیدارهای نیم فصل اول حفظ کرده باشد. بنابراین پرواضح است تیمی که چند ماه با همین سیستم و روش بازی به تمرین پرداخته، برای نیم فصل دوم نیز همین سیستم پایه خود را حفظ کرده و با همین روند به دنبال کسب نتیجه مناسب در نیم فصل دوم باشد. حال اینکه آیا نکونام صراحتا برای کسب نتیجه لازم با این سیستم و روش بازی، ابزار لازم را هم به همراه دارد یا خیر؛ این سوالی هست که شاید بعد از خواندن ادامه این مطلب بهتر بتوان درباره آن به نتیجه گیری پرداخت.

همه دارایی های نکونام!

اگر بخواهیم همه موجودی و ظرفیت های انسانی جواد نکونام در فصل جاری را خط به خط مورد ارزیابی فنی قرار بدهیم شاید به جرات بتوان از خط دروازه آبی ها با وجود دو گلر مطمئن از نقاط قوت و باثبات استقلال یاد کرد. در هر صورت حسینی در نیم فصل اول با تجربه خود بهترین عملکرد را به ثبت رسانده تا جایی که این تیم در نیم فصل اول کمترین گل خورده را به ثبت رساند و از سوی دیگر هم خالد ابادی قرار دارد که در تغییر نسل فوتبال ایران می تواند به عنوان گلری آینده دار مطرح شود. بنابراین شاید کمترین مشکل نکونام در نیم فصل دوم در همین نقطه از زمین باشد.

در خط دفاعی اما با وجود عدم کمبود نیروی انسانی، مشکلات دیگری هستند که می توانند در همین ابتدای مسیر نیم فصل دوم چالش های جدی برای نکونام به وجود بیاورند. در این بین شاید با بازگشت سیلوا به تهران از لحاظ مسائل مالی اتفاق بزرگی برای آبی هارخ داده باشد اما نباید فراموش کرد که بازیکن برزیلی حدود هفت ماه از میادین دور بوده و برای بازگشت به میدان وا از سوی دیگر برای حضور در اندیشه های فنی نکونام، به نظر می رسد این مدافع مدتی کار داشته باشد.

بنابراین بازی دادن به سیلوار در این مقطع پرریسک خواهد بود هر چند فعلا چشمی تارسیدن رافائل به شرایط بازی می تواند جایگزین مناسبی برای وی باشد. این در



حالی است که با وجود سه مدافع تخصصی دیگر به نام های مرامند، سلیمی و سهرابیان شاید نقطه قوت بعدی آبی ها در زمین را بتوان به خط دفاعی این تیم تعمیم داد اما فعلا نکته نامیدکننده جایی است که سلیمی و مرامند بعد از بازگشت به میادین همچنان به آمادگی صد در صدی نرسیده و همان طور که پیش از این هم نوشتیم، این دو بازیکن از ظرفیت های زیادی برای آسیب دیدگی در ادامه فصل برخوردار هستند! در خط میانی اما وضعیت برای نکونام تا حدودی عجیب و پرباهم است. در سمت راست و به طور مشخص در وینگ بک راست بعد از مصدومیت فعلایی بازگشت پامگا، عملا جایگزین خاصی برای این نفرات

جذب تیم نشده و خلافا فیک فرانسوی می تواند در مسرهای فنی زیادی را در سمت کرده و عواقب جبران ناپذیری را به همراه داشته باشد. با این تفاسیر در جناح راست فعلا با وجود خردانی و تورانیان که برای رسیدن به ترکیب به نظر می رسد حداقل نیم فصل دیگر نیاز به تجربه داشته باشد؛ استقلال نیاز به یک بازیکن دیگر دارد. در این سمت اصرارها برای خرید تکدری که به جایی نرسیده و در سمت چپ هم تلاش ها برای جذب گودرزی ادامه دارد. این در صورتی هست که در سمت چپ شاید با وجود نفراتی مانند سلمانی و جلالی، تا حدودی خیال نکونام در مقایسه با جناح راست راحت تر باشد اما برای این منطقه هم سرمربی استقلال قصد دارد تا

بازیکن آینده داری مانند گودرزی را جذب تیم کند. در میانه میدان اما با اضافه شدن چشمی شاید بتوان تا حدودی نسبت به آینده امیدوار بود اما جنگندگی و سبک بازی درگیرانه فابیک های استقلال باعث می شود تا با قطعیت بتوان این طور مطرح کرد که آنها باید روی تیمکت از جانشین های مطمئن برخوردار باشند. بنابراین در همین خط میانی استقلال با سه دو بازیکن در جناحین راست و چپ (وینگ بک ها) یک فابیک روند و یک فابیک خلاق و تکنیکی همچنان نیاز دارد. در نهایت در خط حمله استقلال اگرچه شاهد تنوع تاکتیکی و قابلیت های متنوع از سوی مهاجمان این تیم هستیم اما با خارج شدن مطهری

نوبت دوم

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه گران

مناقصه عمومی یک مرحله ای خرید تجهیزات آشپزخانه رستوران مجموعه ورزشی و آموزشی شماره ۲ به شماره ۰۰۲-۰۷۲-۱۴۳-۰۰۱

(کد سامانه ستاد ۰۰۱۳۱۰۰۲۹۲۲۲۰۰)

شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد نسبت به خرید تجهیزات آشپزخانه رستوران مجموعه ورزشی و آموزشی شماره ۲ به شماره ۰۰۲-۰۷۲-۱۴۳-۰۰۱ طبق شرایط و مدارک مربوطه از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای اقدام نماید. دریافت و ارسال کلیه اسناد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام شده و مناقضیان باید نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند.

۱- شرایط مناقضیان:

- ارائه پروانه بهره برداری از وزارت صمت یا پروانه کسب از اتحادیه صنفی مرتبط با موضوع مناقصه

۲- برآورد مناقصه ۷۸،۱۳۰،۰۰۰ ریال می باشد و شرکت کنندگان در مناقصه باید توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۳،۸۶،۵۰۰،۰۰۰ ریال را داشته باشند.

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی

شرکت برق منطقه ای آذربایجان در نظر دارد ارائه انجام خدمات تنظیمات ساختمان ستادی شرکت برق در آذربایجان شرقی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان ۰۰۰۰۱۱۹۰۰۰۸۸ به آدرس الکترونیکی www.setadiran.ir برگزار نماید. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲،۶۳۵،۰۰۰ ریال به حروف (دو میلیارد و ششصد و سی و پنج میلیون ریال) به صورت ضمانتنامه بانکی یا وارین نقدی به حساب سنیا به شماره ۰۰۰۰۱۱۰۶۰۶۳۷۱۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام شرکت برق منطقه ای آذربایجان بهای فروش اسناد: ۲۰۰،۰۰۰ ریال (دویست هزار ریال)

جدول زمانی انجام مناقصه	
شروع فروش اسناد	۱۴۰۲/۱۷/۸ صبح مورخ
مهلت دریافت اسناد	۱۴۰۲/۱۷/۲۵ عصر مورخ
مهلت بازگذاری پیشنهادات در سامانه ستاد	۱۴۰۲/۱۷/۲۲ صبح مورخ
بازگشایی پاکات	۱۴۰۲/۱۷/۲۱ صبح مورخ

جهت اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۳۴-۰۲۱
جهت اخذ اطلاعات بیشتر به سایت های زیر مراجعه یا با شماره تلفن ۰۲۱-۳۱۰۷-۴۱۱ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت برق منطقه ای آذربایجان
www.setadiran.ir www.azrec.co.ir www.lts.mporg.ir www.tavanir.org.ir
شماره شناسه ۱۶۶۰۰۰۷

اخبار کوتاه

پرسپولیس بدون خریدهای جدید در اراک؟

مشکل فقط مالیات رادو نیست

باشگاه پرسپولیس تقریبا دو ماهی است که پنجره نقل و انتقالاتی اش به خاطر بدهی مالیاتی در پرونده شکایتی بوژیدار رادوشویچ بسته است و با گذشت این مدت این باشگاه هنوز نتوانسته تکلیف پرونده رادو را یکسره کند. مسئولان باشگاه پرسپولیس به تاژی در مورد بدهی مالیاتی خود در این پرونده اقدام کرده اند و چون قرارداد رادو به شکلی بود که او با وجود جدایی از پرسپولیس دو سال دیگر از قراردادش را دریافت کرد، اداره مالیات هنوز وضعیت مالیات این بازیکن را مشخص نکرده است. در همین راستا باشگاه پرسپولیس این روزها پیگیر این است که بتواند با تعامل با اداره مالیات مفاصا حساب رادوشویچ را گرفته و برای او بفرستد تا بلکه قبل از شروع لیگ پرونده شکایتی رادو بسته و پنجره نقل و انتقالاتی اش را باز کند. این در شرایطی است که باشگاه پرسپولیس در پرونده شکایتی رضا اسدی نیز به پرداخت دو میلیارد تومان از سوی کمیته وضعیت مواجه شده و باید تکلیف این بدهی خود را نیز مشخص کند در غیر این صورت نمی تواند قرارداد خریدهای داخلی خود را ثبت کند. عبدالکریم حسن، اوستون اورونوف و عبسی آل کشیر به همراه دو مربی خارجی از خریدهای پرسپولیس در فصل نقل و انتقالات هستند که به نظر می آید ثبت قرارداد آنها تا قبل از بازی روز پنجشنبه سرخوشان مقابل آلومینیوم اراک انجام نشود. ناگفته نماند که اورونوف قرار است امروز اولین تمرین خود را با پرسپولیس انجام دهد و عبدالکریم هم بعد از مرخصی دو روزه امروز به جمع سرخوشان خواهد پیوست.

سیاست نویدکیا: پول نه، فقط معاوضه!

منتظر محمد و باقری

فقطدر ازای ۲ بازیکن استقلال

تیم فوتبال مس رفسنجان درحالی با سرمربی جدید خود یعنی محرم نویدکیا در نیم فصل رقابت های لیگ برتر به کار خود ادامه می دهد که به تاژی صحبت هایی مبنی بر جدایی چند بازیکن مطرح و کارآمد این تیم و حضور آنها در جمع سرخابی ها شنیده می شود. در این میان در آخرین مذاکرات انجام شده بین باشگاه استقلال با رفسنجان ه، باشگاه تهرانی پیشنهاد جذب فرشید باقری و بازگشت منتظر محمد را ارائه می کند که این پیشنهاد با پیشنهاد معاوضه این دو بازیکن با نیک نفس و مطهری از استقلال از سوی نویدکیا همراه می شود. سرمربی جوان و جدید مس به مدیران این باشگاه توصیه کرده است با توجه به کمبود بازیکن موثر در نیم فصل دوم، تنها در صورتی با جدایی نفرات تیمش موافقت می کند که جایگزینان مناسبی برای آنها از تیم های مقابل جذب مس رفسنجان شوند.

عاشق شماره ۷

در استقلال هم ۷۷ را انتخاب کرد

مورد جالب مشاور پیوف

بعد از پیوستن جلال الدین مشاور پیوف به استقلال و اضافه شدن این چهره به تمرینات این تیم، این بازیکن حالا کم آماده همراهی آبی ها شده و با صادر شدن کارت بازی، این بازیکن در صورت صلاحدید کادرفنی، آمادگی همراهی استقلال را خواهد داشت. نکته قابل توجه اینکه شنیده می شود این بازیکن علاقه فراوانی به پیراهن شماره ۷ داشته و جالب اینکه تا قبل از پیوستن رونالدو به النصر نیز با همین شماره، برای تیم عربستانی بازی می کرد. این در شرایطی است که در زمان پیوستن فوق ستاره پرتغالی به النصر، در آن زمان شایعاتی مطرح شده بود که مشاور پیوف برای دادن شماره ۷ خود به رونالدو مقاومت کرده و از انجام این کار امتناع ورزیده است که در نهایت این بازیکن ازبکستانی با شماره پیراهن ۷۷ در تمرینات النصر حاضر شد. گفتنی است با اختصاص پیراهن شماره ۷ استقلال به محمدی، مشاور پیوف در این تیم نیز پیراهن شماره ۷۷ را انتخاب کرده است.

فرهنگستان

صدای نخبگان نگاه جوانان FARHIKHTEGAN

سازمان آگهی های روزنامه

تلفن و فکس:

۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵

ایمیل: 02162999495@gmail.com



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

کانون تبلیغاتی سیهر جوان ۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

درویش رفتنی شد؟

بی‌توجهی ۲ ملی‌پوش به خواسته اوسمار



حمیدرضا اسکندری خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس روز دوشنبه و به فاصله سه روز مانده به دیدار با آلومینیوم اراک تمرینات خود را در ورزشگاه شهید کاظمی پیگیری کرد. هوای خوب بهاری دیروز کمک کرد تا سرخپوشان تمرین با ناشطی را برگزار کنند. در این تمرین محمد حسین کنعانی‌زادگان و علیرضا بیرانوند غیبت داشتند این درحالی است که ملی‌پوشان تیم‌های دیگر از روز یکشنبه خود را به مریشان باشگاهی‌شان معرفی کردند. در این میان اوسمار هم تاکید کرده بود که سه ملی‌پوش تیمش بعد از چهار روز استراحت از روز یکشنبه در تمرین حاضر شوند که آنها ابتدا مخالفتی نمی‌کنند اما به‌یکباره کنعانی و بیرانوند در تماس با یکی از اطرافیان تیم اعلام می‌کنند که در روز بیشتر مرخصی می‌خواهند. مودی که با استقبال اوسمار مواجه نمی‌شود؛ چراکه تیمش روز پنجشنبه باید یک بازی سنگین را در اراک مقابل آلومینیوم ارائه دهد. جالب اینکه باشگاه پرسپولیس در این زمینه از دو ملی‌پوش تیمش حمایت کرده و برای اینکه این موضوع حاشیه‌ساز نشود در سایت رسمی خود اعلام می‌کند ملی‌پوشان با هماهنگی با کادرفنی قرار است از روز سه‌شنبه (امروز) به تمرینات برگردند و تریبی هم اگر از روز یکشنبه آمده داوطلبانه این کار را انجام داده است؛ در این میان حضور بیرانوند در ترکیب اصلی پرسپولیس در بازی روز پنجشنبه قطعی است و نگرانی بابت این موضوع ندارد اما درمورد کنعانی باید دید اوسمار چه تصمیمی خواهد گرفت. قدر مسلم اگر یحیی گل محمدی سرمربی پرسپولیس بود این دو بازیکن به خودشان اجازه نمی‌دادند دو روز قبل از مسابقه و بعد از شش روز استراحت به تمرینات برگردند.

چرا پرسپولیس برای جذب خدابنده‌لو تلاش نکرد؟

همان‌طور که هفته گذشته خبر داده بودیم، انتقال محمد خدابنده‌لو به مانند بازگشت بنشار رمن به این تیم متغی است. از این جهت که یکی از هافبک‌های پرسپولیس به‌خاطر رابطه خویش با درویش در یک ماه اخیر این خواسته را داشت که بازیکنی به جمع نفرات میانی اضافه نشود. در همین راستا هم باشگاه پرسپولیس برای جذب خدابنده‌لو به یک نامه به باشگاه مس بسنده کرد و این باشگاه هم در جواب نامه خواستار معاوضه این بازیکن با مسعود ریگی شد و تا روز چهارشنبه هفته گذشته هم به پرسپولیس مهلت داد تا شرایطش را اعلام کند که این اتفاق رخ نداد. جالب اینکه مدیریت

باشگاه مطابق معمول از خود بازیکن خواست برای رضایتنامه‌اش اقدام کند و خدابنده‌لو هم وقتی دید در این انتقال تنهاست تصمیم به بازگشت به تمرینات تیمش گرفت. در کل عدم انتقال خدابنده‌لو و بنشار به جمع سرخپوشان همان چیزی بود که هافبک محبوب این روزهای درویش در جمع سرخپوشان می‌خواست.

«اورونوف» در دسر جدید اوسمار

باشگاه پرسپولیس در فعالیت‌های نقل و انتقالی خود باز هم خلاف نظر سرمربی‌اش اقدام کرد. از این جهت که اوسمار برای تیمش درخواست جذب یک مهاجم نوک بلندزن با خصوصیات دوندگی زیاد، قدرت حفظ توپ و گلزنی بالا داده بود تا او را جانشین مهاجم سوئدی تیمش کند اما با نظر مدیریت باشگاه، اورونوف که ذاتا یک بازیکن وینگر و پشت مهاجم است جذب شد. این در حالی است که پرسپولیس در این پست او نفراتی چون مهدی ترابی، امید عالیشاه، سعید صادقی،

وحید امیری و چند بازیکن جوان در تمرینات دارد. اورونوف اگر قرار باشد در کناره‌ها (وینگر راست یا چپ) بازی کند باید با نفرات نامبرده رقابت کند. اگر قرار باشد در سیستم ۴-۱-۴-۱ مورد علاقه اوسمار یکی از بازیکنان میانی باشد باید با مسعود ریگی، سروش رفیعی و سینا اسدی‌یگی رقابت کند. هرچند خصوصیات بازی اورونوف چندان به بازی در پست یکی از دو هافبک‌های میانی پرسپولیس نمی‌خورد. برای نوک خط حمله نیز اوسمار چندان نمی‌تواند روی این بازیکن ازبک حساب کند؛ چراکه او بازیکنی با خصوصیاتی متفاوت می‌خواهد. به هر شکل اوسمار برای انتخاب ترکیب ایده‌آل و راضی نگه داشتن این همه بازیکن در خط میانی و حمله تیمش کار سختی پیش‌رو دارد. البته اورونوف بازیکن باکیفیتی است که توانایی بالایی در بازیسازی و گلزنی دارد.

جلسه حیاتی برای تعیین حداقل ۲ عضو هیات‌مدیره
اگر اتفاق خاصی رخ ندهد مجمع باشگاه پرسپولیس طبق



شیرآقایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: بهترین اتفاق قهرمانی با میانگین سنی پایین‌تر بود

گلات قهرمانی واقعا لذت‌بخش بود

خیلی‌ها فکر نمی‌کردند فینال را با این اقتدار ببریم ■ **باشگاه دانشگاه آزاد باعث تشویق ورزشکاران به تحصیل شده است**



مهدی منصرف خبرنگار

رقابت‌های لیگ برتر ووшوی آقایان در شرایطی روز جمعه ۲۰ بهمن ماه به پایان رسید که تیم دانشگاه آزاد برای پنجمین دوره متوالی بر سکوی قهرمانی ایستاد. شگردان علی شیرآقایی در ساندا و فرشاد عربی در تالو در این فصل نیز در دیدار نهایی با اقتدار موفق به شکست ۱۱ بر ۳ تیم پاس فراجا شدند و بالاتر از این تیم جشن قهرمانی گرفتند. در رقابت‌های این فصل پاس فراجا و پارس خونجی نیز به ترتیب در جایگاه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. علی (کیوان) شیرآقایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص رقابت‌های این فصل ووшوو و کسب گلات قهرمانی صحبت کرد که در ادامه می‌خوانید.



رقابت‌های لیگ برتر ووشوو در شرایطی به پایان رسید که تیم دانشگاه آزاد مجددا بر سکوی قهرمانی ایستاد. رقابت‌های این فصل را چطور دیدید؟

ابتدا خدا را به‌خاطر کسب پنجمین عنوان قهرمانی شکر می‌کنم. با وجود شرایط سختی که داشتیم و تغییرات زیادی که در کادر فنی و بازیکنان ایجاد کرده بودیم توانستیم عنوان قهرمانی را برای پنجمین بار تکرار کنیم. فکر می‌کنم بهترین اتفاقی که در این فصل لیگ برای ما افتاد، این بود که با میانگین سنی خیلی پایین‌تر و حضور شش ورزشکار کمتر از ۱۹ سال در ترکیب تیم توانستیم در دیدار فینال برنده شویم. به‌نظر این اتفاق خیلی خوبی است و نشان می‌دهد لیگ ووشوو هر سال از نظر رشد استعدادها، کیفیت فنی و بالا بودن رقابت‌ها سطح بالاتری پیدا می‌کند.

به‌نظر می‌رسد برخلاف ادوار گذشته تقسیم نیروهای ملی‌پوش بین تیم‌ها نیز به‌خوبی اتفاق افتاده بود.

هم در تالو و هم در ساندا ملی‌پوشان بین تیم‌های مختلف تقسیم شده بودند. از ترکیب بازی‌های آسیایی هانگژو ما دو بازیکن داشتیم که فقط از حضور محسن محمدسیفی و شجاع پنهانی در دیدار فینال استفاده کردیم. محسن چندین سال است که در تیم دانشگاه آزاد است و شجاع پناهی نیز از زرده سنی جوانان کار خود را در تیم شروع کرد و طی دو سه سال گذشته به او فرصت دادیم و توانست امسال در ترکیب فیکس بازی‌های آسیایی اعزام شود. این موضوع یک پوئن مثبت برای تیم ماست که همیشه جوان‌گرایی داشتیم و بقیه ورزشکاران نیز اکثرا از زرده‌های سنی پایه آمده بودند. نفراتی مثل امیرحسین همتی، سینا صادقی، عرفان محرمی و سهیل موسوی نفراتی هستند که در تیم جوانان به مسابقات جهانی اعزام شدند و اینجا نیز توانستند مسابقات فینال خود را ببرند. این درحالی است که ما پنج روز قبل از بازی فینال حمیدرضا سهندی و مهدی مرادی دو ملی‌پوش مان که در اوزان خود نفرات اول تیم ملی هستند را به دلیل مصدومیت از دست دادیم. با این وجود غیبت این نفرات هیچ تاثیری در نتیجه ما نداشت و توانستیم با بیشترین اختلاف فینال را ببریم.

با این شرایط می‌شود گفت برای تکرار عنوان قهرمانی امسال در دیدار نهایی زیاد به چالش کشیده نشدید؟

همیشه روی کاغذ برنامه و نفرات رقبای خود را می‌نوسیم و پیش‌بینی کرده و

بعد از آن برنامه ریزی و تاکتیک‌های خود را اتخاذ می‌کنیم. روی کاغذ هفت مسابقه از ۹ مسابقه ساندا را نمی‌توانستیم درصد بیشتری برای برد خودمان قائل شویم و ریسک بالایی داشت، اما خدا را شکر در این چند سال توانستیم همیشه تدابیر و برنامه‌ریزی خوبی داشته باشیم و با کمترین اشتباه پیش رفتیم. به‌خاطر همین دانشگاه آزاد همیشه توانسته‌است با اختلاف خیلی زیاد رقبای خود را بریزد. خیلی خوشحال هستم که امسال حمید زرینی هم در تیم جوانان و هم در تیم دانشگاه آزاد به عنوان مربی کنار بود و با هم کار کردیم. واقعا از این همدلی و همراهی که در تیم داشت و کامل‌ا در خدمت تیم بود، لذت بردم و سهم زیادی در این موفقیت دارد. خیلی خوشحالم از تغییراتی که در کادر فنی داشتیم که باز هم مثبت بود و اتفاقات خوبی برای تیم افتاد.

به قول فوتبالی‌ها این گلات قهرمانی (۵ قهرمانی متوالی) چقدر لذت‌بخش بود؟

خیلی لذت‌بخش بود؛ چراکه همیشه تکرار موفقیت‌ها سخت‌تر از کسب آن برای اولین بار است. صبح روز فینال و در مسابقه نیمه‌نهایی خیلی از مسئولان و افرادی که در سالن بودند بازی پارس جنوبی و پاس فراجا را دیدند، فکر نمی‌کردند ما بعدازظهر بتوانیم با این اختلاف و این اقتدار پاس فراجا را ببریم. با این حال به تیمم مطمئن بودم. به‌خاطر اینکه نفراتی که واقعا حرفه‌ای زندگی می‌کنند در کنار ما بودند. اصلا به زرومه قهرمانی و سن و



هماهنگی قبلی امروز برگزار خواهد شد و قرار است در این نشست ضمن بررسی وضعیت مدیریتی این باشگاه درمورد اضافه شدن دو یا سه عضو جدید هیات‌مدیره آن تصمیم‌گیری شود. حسین خیبری و پیمان حدادی (عضو به‌ظاهر اقتصادی هیات‌مدیره) پیش از این از سمت خود استعفا داده‌اند که قرار است درباره استعفاى آنها در نشست امروز تصمیم‌گیری شود. به احتمال خیلی زیاد دو عضو جدید جانشین آنها خواهد شد و ممکن است یک عضو دیگر هم جانشین یکی دیگر از اعضای هیات‌مدیره این باشگاه شود. بعد از تعیین اعضای جدید هیات‌مدیره باشگاه آن وقت درمورد تغییر احتمالی مدیرعاملی در این باشگاه تصمیم‌گیری خواهد شد. شنیده می‌شود با جابجایی‌های انجام شده در هیات‌مدیره احتمالا به زودی شاهد تغییر مدیرعامل پرسپولیس خواهیم بود و به نظر می‌رسد درویش آخرین روزهایش روی صندلی مدیریت باشگاه را می‌گذرانند. در چند هفته اخیر چند مدیر، برنامه‌های اقتصادی خود برای مدیریت در باشگاه پرسپولیس را به وزارت ورزش ارائه داده و سابقه آنها نیز در نهادهای مربوطه مورد بررسی قرار گرفته است. در سوی دیگر درویش نیز همه تلاش خود را با لابی‌های مختلف انجام داده تا بتواند در پرسپولیس به کارش ادامه دهد. در کنار این موضوع مدیرانی هم بودند که بعد از بررسی وضعیت مالی باشگاه و بدهی حدود هزار میلیاردی این باشگاه پیشنهاد جانشینی درویش را رد کرده‌اند. قدر مسلم هر مدیرعاملی در باشگاه پرسپولیس مشغول به کار شود کار بسیار سختی را برای پرداخت بدهی‌های بانکی سنگین آن و دستمزد بازیکنان و مربیان تیم خواهد داشت.

یک اسم عجیب برای کادرفنی

اوسمار برای تقویت و تکمیل تیمش خواستار اضافه شدن یک آنالیزور به کادرش شده است. در این میان چند آنالیزور از سوی عوامل مختلف تیم به باشگاه معرفی شده است و قرار است یکی از آنها امروز یا فردا کارش را با سرخپوشان شروع کند. اما درمیان این نام آنالیزور سابق استقلال هم دیده می‌شود. فردی که سابقه چند سال کار با پرویز مظلومی و امیر قلعه‌نویی را در کارش دارد و به‌نوعی مربی مستقلی محسوب می‌شود. همین عامل باعث شده که کانال‌های هواداری به‌شدت علیه این آنالیزور جبهه‌گیری کنند و او را گزینه مناسبی برای جانشینی محمد عسگری یا مهرداد خانبان ندانند. ناگفته‌نماند آنالیزورهای یحیی سابقه کاری خوبی دارند و پیدا کردن جانشین برای آنها کار سختی برای پرسپولیس‌هاست.

گفت‌وگو

مهدی اولاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: شکستگی مچ پایم مدال طلایم را تبدیل به نقره کرد

از پارالمپیک پاریس ۲ طلا می‌خواهم



یگانه عساری خبرنگار

«شاید اگر مچ پایم نمی‌شکست، مدال نقره‌ام تبدیل به طلا می‌شد» این روایت مهدی اولاد از بازی‌های پارآسیایی هانگژو است. ورزشکاری که رنگ یک جهان در پرتاب وزنه و رنگ دو جهان در پرتاب دیسک را به نام خود ثبت کرده است. یکی از پرافتخارترین ورزشکاران ایران در پارالمپیک و بازی‌های پارآسیایی به حساب می‌آید و به دست آوردن چندین مدال در مسابقات سطح تووقات را از او بالا برده است. اولاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» و در شرایطی که مدت زمان زیادی تا پارالمپیک پاریس باقی‌نمانده، از تلاش‌های بی‌وقفه‌اش برای طلایی شدن رنگ هر دو مدال‌ش در پارالمپیک پاریس گفت.



تجربه بازی‌های آسیایی هانگژو برای شما چطور بود؟ کسب یک مدال طلا یک نقره و البته سهمیه المپیک پاریس.

سهم من از هانگژو یک طلا و یک نقره شد. در مسابقات پرتاب وزنه مچ پای من شکست و متأسفانه نتوانستم طلا بگیرم ولی سه روز بعد در مسابقات پرتاب دیسک با باتیب‌بندی سنگینی که دکتر انجام داد و با مسکن قوی، خدا را شکر موفق شدم مدال طلا بگیرم. در دیسک اختلاف مستقیم من خیلی زیاد بود و کار راحت‌تری داشتم اما در پرتاب وزنه در همان پرتاب اول این اتفاق برایم افتاد و مچ پای من باز لب دایره برخورد کرد و فرتک پایم دچار شکستگی شد.

پاداش‌های شما به‌صورت تمام و کمال پرداخت شد؟

درباره پاداش پای سکو؛ ما هر سری که دو یا چند مدال می‌گرفتم، پاداش هردو را به ما می‌دادند ولی این بار پاداش مدال نقره را ندادند. دست مسئولان درد نکند؛ پاداش‌های وزارت ورزش هم که هنوز پرداخت نشده و قرار است زمانش را اعلام کنند. البته گفته بودند قبل از سال جدید پرداخت خواهد شد ولی فعلا خبری نیست. امیدوارم هرچه زودتر این اتفاق بیفتد.

این روزها اوضاع تمرین چطور است؟ فرصت زیادی تا پارالمپیک باقی‌نمانده است.

خدا را شکر همه چیز عالی است. بیست‌وهشتم برای اردو به کیش می‌رویم. امیدوارم تمرین‌ها خوب پیش برود. آنجا یک رکوردگیری درون اردویی داریم.

پس از عملکرد خودتان راضی هستید و بهترین رکوردهای خودتان را به ثبت رسانده‌اید.

بله. شرایط خوب است. الان هم در فصل بد نسازیم. به امید خدا اواخر اردیبهشت برای مسابقات جهانی به ژاپن خواهیم رفت. در این مسابقات سهمیه پارالمپیک پاریس توزیع می‌شود که البته من در هر دو ماده دیسک و وزنه سهمیه پارالمپیک را کسب کرده‌ام و حضورم در این تورنمنت برای محک زدن خودم است.

عملکرد درخشان شما در تمامی مسابقات سطح توقع را برای مدال آوری بالا برده است. به نظرتان احتمال مدال آوری مان در پاریس چقدر است؟
من در هر دو رشته جزء نفرات اول و دوم دنیا هستم و اگر اتفاقات غیرمتوقعه پیش نیاید و همه چیز طبق روال و برنامه جلو برود، باید بگویم که شانس مدال را تقریبا مسجل و حتمی می‌دانم و تمام‌اتلاشم بر این است که بتوانم در هر دو رشته طلا بگیرم. من الان در پرتاب وزنه رنگ یک جهان هستم و در پرتاب دیسک رنگ دو جهان. امیدوارم که خداوند کمک کند و در پاریس رنگ هر دو مدال من طلایی شود. من تمام تلاشم را می‌کنم که بتوانم با دو مدال طلا از پاریس به کشور برگردم.



سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲



شماره ۴۰۷۹



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

محمدعلی وکیلی، نماینده سابق مجلس درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اصلاح‌طلبان حداکثری طلب توقع‌کار چریکی از مجلس داشتند



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

در میان اصلاح‌طلبان و با گذر از انتخابات سال ۹۸ و ۱۴۰۰ حالا به وضوح مشخص شده است که اصلاح‌طلبان اکنون دچار شکاف و دودستگی درون خود شده‌اند، این روزها و همزمان با نزدیک شدن به انتخابات مجلس نیز این شکاف در حال عمیق‌تر شدن است. در میان اصلاح‌طلبان حتی برخی معتقدند طیف تند اصلاح‌طلبی اکنون از اصلاحات عبور کرده است. امری که محمدعلی وکیلی فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز به آن تأکید و اشاره کرد که ما نیز از اصلاح‌طلب رفتاری به اصلاح‌طلب رویکردی تغییر مسیر دادیم، اما در آن سمت برخی اصلاح‌طلبان از ساختار اصلاح‌طلبی عبور کردند. این اختلاف البته خود را در جریان عملکرد اصلاح‌طلبان در مجلس دهم نیز نشان داد، موضوعی که وکیلی نیز به آن اشاره کرد و گفت برخی از ما توقع داشتند مثل مجلس ششم به اصطلاح زیر میز بزنیم. به بهانه نزدیک شدن به انتخابات مجلس و در ادامه سلسله‌گفت‌وگوها با نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی، به سراغ محمدعلی وکیلی فعال سیاسی اصلاح‌طلب و مدیرمسئول روزنامه ابتکار رفتیم و به مسائل مختلفی مثل بررسی صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان، اتفاقات سال ۸۸ وکنش اصلاح‌طلبان در انتخابات پرداختیم. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

■ ■ ■

دیدگاه شما به عنوان یک فعال سیاسی درباره فضای انتخاباتی پیش رو چیست و فضا را چطور ارزیابی می‌کنید.

انتخابات زمین بازی مردم است؛ آن هم مردمی که دسترسی به ساخت قدرت به صورت مستقیم ندارند و بنابراین تنها زمین بازیشان انتخابات است. در چنین فرضی انتخابات معنا و موضوعیت دارد و مهم است. انتخابات با چنین کارکردی می‌تواند در فرض مشارکتی و رقابتی، هم منشأ سرمایه‌افزایی اجتماعی و هم ارزش افزوده برای مشروعیت نظام سیاسی باشد اما به هزار و یک دلیل الان که صحبت می‌کنیم، انتخابات به زمین بازی کنشگران سیاسی تبدیل شده تا زمین بازی مردم. شاید کسی بگوید که کنشگران سیاسی هم جزئی از مردم هستند اما انتخابات زمین بازی مردمی است که نمی‌توانند به صورت مستقیم، دستی به ساحت قدرت داشته باشند. کنشگران سیاسی چه به صورت حزبی و چه به صورت غیرحزبی فعالیت‌شان به شکلی اولا معطوف به قدرت است و ثانیا خودشان قدرت‌ساخته هستند. اگر روزی مردم احساس کنند که دیگر زمین بازیشان انتخابات نیست، آن روز با انتخابات از موضوعیت خارج می‌شود یا این انتخابات به هر دلیلی نمی‌تواند رقابتی یا مشارکتی باشد. از این جهت انتخابات را از زمین بازی مردم به زمین بازی کنشگران یا کسانی که فعالیت‌شان معطوف به قدرت است، تبدیل کردیم. انتخابات مجلس یک ویژگی دارد و آن اینکه کف مشارکتی را ایجاد خواهد کرد. در شهرستان‌های کوچک و در حوزه‌های کوچک انتخاباتی به دلیل حاکمیت رقابت قومیتی و اینکه متغیر قومیت در آنجا تعیین‌کننده است، می‌توان گفت ما یک پایه مشارکت نسبی را داریم. به رغم اشکالی که مبنایا به کارکرد انتخابات فعلی وارد کردم، به‌رحال کف ۴۰ درصد مشارکت را خواهیم داشت. در کلان‌شهرها انتخابات همچنان رمی‌بقی است و اثر این دورشدن انتخابات از زمین بازی مردم را در کلان‌شهرها و در تهران بیشتر از بقیه جاها مشاهده می‌کنیم. انتخابات در گذشته به دلیل وجود یک موتور محرکه، صحنه خلق هیجانات بود و آن موتور محرکه، دوقطبی ناشی از توازن دو جریان

سیاسی یعنی جریان اصولگرا و جریان اصلاح‌طلب در سپهر سیاسی کشور بود. اگر یادتان باشد در سال ۱۳۸۸ خیابان ولی عصر و گاهی از میدان ونک تا میدان ولی عصر تبدیل شده بود به صحنه آرایش مردم طرفدار احمدی‌نژاد و موسوی که هرکدام با نماد خاص خودشان رو در روی هم قرار گرفته بودند. من چندین بار خودم شاهد بودم که این فضا و این رقابت در عین اینکه جدی بود و دو گفتمان رو در روی هم قرار گرفته بودند، ولی چون حس مردم این بود که رقابت‌شان موثر است و این زمین بازیشان است، من ندیدم که مردم به هم بپردازند. مثل دو ستون موازی بودند و اصطکاکی ندیدم، حتی دیدم که هواداران یک طرف از هواداران طرف دیگر پذ بیایی می‌کردند. اگر انتخابات صحنه دوقطبی جدی باشد، آن صحنه‌ها دوباره خلق می‌شوند. اگرچه بعدا آن آرایش آرام مردم در کف خیابان، توسط دو رقیب به چالش کشیده شد اما به‌رحال فرآیند رقابت تا روز انتخابات، شگفت‌انگیز و بالغ بود. در ۱۳۷۶ هم شرایط به همین ترتیب بود و شاهد یک رقابت جدی کف خیابانی بودیم، چون مردم حس می‌کردند این رقابت زمین بازیشان است. طیفی فکر می‌کردند اگر کوتاه بیایند، گرفتار سرنوشت دیگری می‌شوند که بر حوزه آزادی‌ها و رفتار اجتماعی‌شان اثرگذار است و برعکس. بنابراین فکر می‌کردند مهم است که کف خیابان و بعد از آن پای صندوق‌ها باشند. این احساس کم شده و به نظر می‌رسد بخشی از این احساس به دلیل به‌هم خوردن این موازنه در صحنه رقابت است و لیست‌ها هم‌واردی ندارند. درواقع جنگ لیست‌ها شکل نمی‌گیرد، به دلیل اینکه این هم‌واردی در آستانه این انتخابات، زیر سوال رفته. اگرچه رهبری به‌درستی چند بار و به‌خصوص این روزها، بارها بر اهمیت این انتخابات تأکید کرده‌اند. با این حال نطفه‌ای که از پیش‌ثبت‌نام‌ها گذاشته شد، صحنه را یک‌طرفه کرد. این بدعت پیش‌ثبت‌نام بخش نخبگانی جامعه را غافلگیر کرد. عده‌ای خودشان را برای ثبت‌نام در زمان دیگری آماده کرده بودند و در حال چانه‌زنی حزبی بودند که آیا پیش‌فرض‌های شرکت برای اعضا فراهم می‌آید؟ قبل از اینکه اینها بتوانند به جمع‌بندی حزبی‌شان برسند، با بدعت پیش‌ثبت‌نام زمان را از آنها گرفتند و بنابراین الان سبب ثبت‌نام یک جریان سیاسی یعنی اصلاح‌طلبان خالی است. اگر درصلاحیت‌های هیات‌های اجرایی و نظارت توسط شورای نگهبان هم جبران شود، در ته‌مانده کسانی که شرایط قایت را پیدا می‌کنند، قدرت هم‌واردی وجود ندارد. نه‌تنها قدرت هم‌واردی وجود ندارد که فاصله بسیار معناداری وجود دارد، به طوری که گفته می‌شود در کل کشور اگر کسانی که در معرض انتخاب هستند، تأیید شوند، یک جریان سیاسی با زیر ۴۰ نفر می‌تواند در سراسر کشور برای رقابت بیاید.

شما به سال ۱۳۸۸ اشاره کردید و اتفاق خوبی که در مشارکت افتاد اما در ادامه یک‌سری کنش‌ها و ادعاهایی از سوی اصلاح‌طلبان مبتی بر تخلف در انتخابات دیده شد که این اتفاق خوب را به اتفاقی تلخ بدل کرد. بعد از آن هم همان شخصیت‌ها و کسانی که اظهاراتی را مطرح کردند، گفتند این تقلب نبوده و تخلف بوده. فکر می‌کنید چقدر اصلاح‌طلبان در این ماجرا مقصر بودند؟

ما که نمی‌خواهیم با بازگشت به گذشته نیش قبر کنیم و ببینیم سهم چه کسی در حوادث تلخ ۸۸ بیشتر بوده! این را باید در یک جلسه مستقل مورد بحث قرار داد که سهم احمدی‌نژاد و رفتار تحریکی ایشان یا سهم واکنشی کروی و میرحسین چقدر بوده است! من به لحاظ نتایج ورخیمی که پس از حوادث ۸۸ برای کشور ایجاد شد، می‌خواهم به یک نکته‌ای اشاره کنم. وقایع ۸۸ اثر دهشتناکی را به لحاظ منابع انسانی روی دست جمهوری اسلامی ایران گذاشت و آن اینکه نسل دهه ۶۰ این کشور که عمدتا یک نسل نخبه اصلاح‌طلب‌محور بود و در گفتمان اصلاح‌طلبی بارآمده بود و نسلی تحول‌خواه بودند، قربانی تحولات ۸۸ شد. عده‌ای از اینها مارک امنیتی خوردند، بخشی از آنها فرار کردند و عطای ایران را به لغایش بخشیدند و از گردونه خارج شدند. برخی از دوستانی که می‌گویند دست اصلاح‌طلبان به لحاظ منابع انسانی خالی شده و اگر فرصت یکسان هم داده شود، برای رقابت نیرو نداشتند، حرف‌شان درست است؛ از این جهت که این نسل دهه ۶۰ که باید امروز پایه رقابت باشد، یاسر از زندان درآورده یا مارک امنیتی خورده یا فراری شدند.

اینکه می‌فرمایید اصلاح‌طلبان سرمایه انسانی‌شان را از دست داده‌اند، به اشتباه آنها برنمی‌گردد؟

الان نمی‌خواهم وزن‌کشی کنم که گناه چه کسی بوده است! ولی سهم احمدی‌نژاد بیش از میرحسین و کروی بود. فرد پیروز حق ندارد جریانی که آقندر وزن داشته که در گمان خودش به درست یا غلط فکر می‌کند حق با او بوده را در کف خیابان خس و خاشاک خطاب کند! بلوغ رقابت کف خیابانی و مدنیت را در رقابت‌های سیاسی پس از جمهوری اسلامی در رقابت ۸۸ می‌شد دید. در این خیابان تا قبل از انتخابات به صورت یکپارچه دو طرف در دو خط موازی آرایش گرفته بودند اما احدی از مردم متعرض دیگری نمی‌شد و هرکس حرف و شعار اثباتی خودش را می‌گفت ولی فرد پیروز انتخابات سرهمین میدان ولی عصر ملت را در صحنه‌ای که انتخابات را معنادار کرده بودند، خس و خاشاک خطاب کرد. من نمی‌خواهم وارد این بحث شوم، چون از آن چیز دیگری درمی‌آید. من سربسته می‌گویم که خسارت اصلی وقایع ۸۸ با هر تفسیر، هدردادن منابع انسانی نسل دهه ۶۰ بود که امروز باید میدان‌داران رقابت کنونی باشند اما الان نیستند. عده‌ای که از ترس فرار کردند، عده‌ای فراری داده شدند، عده‌ای تحت تأثیر القانات قرار گرفتند و عده‌ای هم به زندان رفتند. یک نسل به بهای احمدی‌نژاد نابود شد که الان باید کشور را اداره می‌کرد، ولی کشور اکنون دچار فقر منابع انسانی است. سبب اصلاح‌طلبان به این دلیل خالی‌تر از سبب اصولگرایان است. می‌خواهم بگویم که ما می‌توانستیم فرآیند رقابت ۸۸ را در رقابت‌های دیگر هم داشته باشیم که مردم احساس کنند انتخابات در سرنوشت‌شان موثر است. مردم از یک مقطع از اینکه چه کسی بر آنها حکومت کند عبور کردند، درحالی‌که در گذشته این‌طور نبود و برایشان مهم بود چه تیب آدمی به مجلس می‌رود. برایشان مهم بود وکیلی در مجلس باشد یا آقای حمید رسایی اما الان مهم نیست.

در جریان اتفاقات سال گذشته، براندازها و اپوزیسیون خیلی مشخص علیه ایران ائتلاف کردند و برایشان مهم نبود چه اتفاقی برای امنیت کشور می‌افتد و حتی به بهای نابودی ایران، پیش می‌رفتند. با توجه به فضای سال گذشته فکر می‌کنید بحث انتخابات و افزایش مشارکت چقدر می‌تواند در فاصله‌گرفتن و مرزگذاری این نگاه کمک کند و به دنیا این نگاه و تصویر رابدهد که ما یک بدنه مردمی هم داریم که مشارکت دارند. به نظر شما کنش اصلاح‌طلبان با توجه به این فضا و برای مرزگذاری با آدم‌ها یا جریان ناظر به انتخابات پیش رو باید چگونه باشد؟

اشکالی که ما در رسانه‌ها و بقیه بخش‌های حاکمیت گرفتارشا هستیم این است که با موضوعات معلولی برخورد می‌کنیم، یعنی سراغ

معلول می‌رویم و از معلول می‌پرسیم. وقتی می‌گوییم انتخابات نباید

موضوعیتش را بپرای مردم از دست دهد تا همچنان ابزار ارزش افزوده برای مشروعیت نظام سیاسی به حساب بیاید، فقط به گفتن نیست و باید یک‌سری اقدامات ساختاری صورت گیرد. الان که در نقطه تردید برای این کارکرد هستیم، به این دلیل است که گرفتار بن‌بست‌هایی شدیم. یکی از این بن‌بست‌ها آن است که نهاد پارلمان یا کلان‌نهاد‌های مردم‌پایه در طول زمان تضعیف شده‌اند. بخشی از عوامل تضعیف به ضدکارکردهایی مربوط است که خود این نهادها گرفتار آن شده‌اند. من نماینده مجلس در دوره دهم بودم. مردم از ما که یک جمعیت ۱۰۵ نفری را در مجلس شکل می‌دادیم توقع داشتند که در سقف انتظارات‌شان ظاهر شویم و قوانین رهاگشا و نظارت تعیین‌کننده و تأثیرگذار را به حقوق ملت داشته باشیم اما در کف انتظارات ملت هم ظاهر نشدیم. بخشی را توانستیم انجام دهیم و بخشی را برساختمد، یعنی برخی رقبا اقتدار بر سر آن مجلس زدند و برخی دوستان ما آنقدر بر انتظارات مردم دمیدند که آن مجلس با وجود تکثرش از نظر مردم، مجلسی کارآمد نشد و به دلیل فهر مردم، مجلس کنونی تشکیل شد. به عقیده من ضعیف‌ترین مجلس تاریخ جمهوری اسلامی، مجلس کنونی است. به‌عنوان کسی که کار قانون‌گذاری در مجلس انجام داده، برای این ادعا قکت دارم. بخشی از دلایل این تضعیف بیرون از مجلس است. یکی از اینها از نظر من این است که نظام انتخاباتی ما غلط و ناکارآمد است که از آن مجلس کارآمد درمی‌آید. نظام انتخاباتی کنونی با ساختار حوزه‌ای و روش اکثریتی یک نظام مبتنی‌بر گردایی رای است و لذا مبتنی‌بر تبلیغات خانه به خانه

است و جذابیتی برای چهره‌های نخبگانی جامعه ایجاد نمی‌کند که مجلسی ملی و کارآمد تشکیل دهند. کسانی برای این انتخابات خود را عرضه می‌کنند که بتوانند از پس چنین رفتار تبلیغاتی بربیایند، بنابراین نظام انتخابات باید تغییر کند. در زمان ما تلاش شد طرحی تصویب شود که انتخابات از حوزه‌ای، استانی و از اکثریتی، تناسبی شود. در شرایط انتخاب‌شوندگان در قانون یک‌سری چیزهایی داریم که اصلا ریزبنده کرامت انسانی نیست؛ مثلا التزام به اسلام و التزام به ولایت فقیه و التزام عدم‌صلاحت اسلامی. این التزام‌ها همه قلبی و خوداظهاری است و اثبات آن با طرف نیست. مطابق آموزه‌ها و روح قانون خوداظهاری و امضا‌زیر این‌التزامات کفایت می‌کند که این شرایط را دارد اما در شورای نگهبان خلاف این مساله است. می‌گویند شورای نگهبان باید احراز صلاحیت کند و چون باید این کار را بکند، اگر توانست دلیلی بر صلاحیت یا عدم‌صلاحیت شما پیدا کند، آنگاه می‌تواند شما را تحت عنوان عدم احراز از حق انتخاب شدن محروم کند. خیل عظیمی از نیروهای دارای توانمندی به دلیل ترس از چنین رویکردی خودشان را اصلا عرضه نمی‌کنند، درحالی‌که ما معتقدیم شورای نگهبان باید رویکردش را بر احراز عدم‌صلاحیت بگذارد، نه اینکه احراز صلاحیت و صلاحیت‌نداشتن یک فرد را احراز کند، چون اصل بر این است که همه دارای صلاحیت هستند به جز آن صلاحیت‌های شکلی. صلاحیت‌های شکلی مثل این است که یک فرد فوق‌لیسانس باشد یا سوء‌پیشینه نداشته باشد یا هر فردی باید سلامت روح و روان داشته باشد. این صلاحیت‌های شکلی که به آن اهلیت گفته می‌شود، باید احراز شوند اما صلاحیت‌های اخلاقی و عقیدتی باید تحت عنوان التزامات احراز عدم‌صلاحیت کنکاش شود. الان برعکس است. اگر این رویکرد اصلاح شود، شما خواهید دید که خیلی از نیروهای دارای صلاحیت واقعی خود را عرضه می‌کنند. ما این طرح را اصلاح کردیم و معیار هم گذاشتیم و گفتیم معیار این‌التزامات عقیدتی چیست؟ یعنی اگر کسی چه کار کرد ولایت فقیه یا ضد اسلام است! درواقع این معیارها را کمی و قابل‌سنجش کردیم اما آن طرح بعد از دو سال زحمت در شورای نگهبان رد شد. مجلس فعلی باید این نظام انتخاباتی را به نفع حفظ انتخابات با عنوان زمین بازی مردم اصلاح می‌کرد اما با آوردن موضوع پیش‌ثبت‌نام‌ها عرضه انتخاب را بر مردم محدودتر کرده است. با این شرایط نباید انتظار داشته باشیم که انتخابات در توسعه زمان باعث ارزش افزوده شود. من معتقدم منزلت نهاد پارلمان باید برگردد، به این شکل که نهاد‌های قانون‌گذار بالادستی مطابق قانون اساسی از دخالت در فرآیند قانون‌گذاری دست بکشند. قانون‌گذاری حق انحصاری مجلس است. بالادست مجلس نباید نهادی برای قانون‌گذاری باشد. دوم اینکه باید اجازه دهیم انتخابات صحنه



انتخاب چهره‌های ملی و نخبه‌شود و این کار با استانی‌کردن انتخابات امکان‌پذیر می‌شود. با تغییر اکثریتی به تناسبی اجازه نمی‌دهیم که مجلس یکدست ایجاد شود؛ در مجلس یکدست، حتی اگر نخبگان هم وارد آن شوند، فارغ از اینکه اصلاح‌طلب وارد آن شود یا اصولگرا، خودش فساد است. مجلس یکدست، مجلس ملی نیست. ارزش مجلس به تکثرش است، چون باید خودش خودش را کنترل کند. اگر به جای این مجلس فعلی، مجلسی متکثر داشتیم، امکان نداشت فسادى به نام جای دیش شکل گیرد و همه راب‌هت زده کند. در مجلس دهم با تکثری که داشت، ما یک فراکسیون اصولگرایی مقابل خودمان داشتیم که آن هم عینا ۱۰۵ عضو داشتند. برای اولین‌بار در صحن مجلس جمهوری اسلامی طرح سوال از رئیس جمهور اتفاق افتاد که آنها آوردند. آنها پنج سوال محوری داشتند. ما به‌عنوان اصلاح‌طلبان در مجلس وقتی دیدیم سه سوال از این سوالات، اقتصادی و وارد هست و ناظر به حقوق ملت است، همراهی کردیم و به آقای روحانی کارت زد دادیم. آنجا اصلا به این توجه نکردیم که ایشان منتسب به ماست و باید بر اشتباهات چشم ببوشم اما مقابل دو سوال دیگر چون معلوم بود تسویه سیاسی و حساب شخصی و جناحی است، ایستادیم.

برآورد شما این است که اصلاح‌طلبان در مجلس دهم حتی از دولت هم انتقاد کرده‌اند اما اگر به افکار عمومی رجوع کنید، این احساس نسبت به عملکرد مجلس دهم و خصوصا اصلاح‌طلبان، وجود ندارد. در گروه این را خراب کردند. یکی جریانات رقیب مجلس مانند جریانات اصولگرایی و رسانه‌هایشان بودند که با سانسور آنچه در مجلس رخ می‌داد و همپاژ یاس همراه بود. گروه دیگر هم بخشی از رسانه‌های اصلاح‌طلب و گروه‌های حداکثرطلب در میان اصلاح‌طلبان با مقایسه مجلس دهم با مجلس ششم بودند. درواقع مجلس ششم را به‌عنوان مجلسی آرمانی مثل یک پیک بر سر مجلس دهم می‌زدند، درحالی‌که من بارها گفتم کارکرد اصلاح‌طلبان مجلس دهم به مراتب بیش از مجلس ششم بود اما دوستان ما انتظار کار چریکی و پلیسی و زد‌وخوردی داشتند و می‌خواستند ما به اصطلاح زیر میز بزنیم، چون فرض‌شان این بود، می‌گفتند مجلس دهم مجلس ساکت و سازگار و ناکارآمدی است. من بارها گفتم‌ه کل شهرت مجلس ششم به لویاح دوقلویش بود، یعنی لایحه قانون انتخابات و لایحه اصلاح قانون مطبوعات. دولت وقت آن زمان پشت هر دوی این لویاح بود اما در زمان ما اشکال کار این بود که دولت نیامد لایحه اصلاح قانون انتخابات یا لایحه اصلاح قانون مطبوعات را بدهد که دست ما پر باشد. ما خودمان طرح اصلاح قانون مطبوعات شدیم و طرح آن را به صورت دوقلویی در مجلس تصویب کردیم. تمام آن سروسدای مجلس ششم محصول دو بند از قانون مطبوعات بود که کشور را برایش به هم ریختند اما در

مجلس دهم من صدر تا ذیل قانون مطبوعات را تغییر دادم و همه هم به نفع گردش آزاد اطلاعات بود. در طرح قانون انتخابات که با جمعی از دوستان طراحی کردیم، روح قانون را به نفع‌گسترش حق انتخاب مردم و کم‌کردن حوزه نظارت استصوابی تغییر دادیم اما آن یکی در شورای نگهبان رد شد و این یکی نیز زمان مجلس دهم اجازه نداد که جلو برود. ما فکر می‌کردیم این موضوع در مجلس یازدهم دوباره پیگیری شود که طبیعتا در مجلس یکپارچه اصول‌گرا و انقلابی با آن طرح ما موافق نبودند. در فضای بیرونی دوله فیجی به جان مجلس دهم افتادند و آن را از چشم‌ها انداختند، غافل از اینکه با انداختن آن مجلس از چشم مردم، یک مجلس بهتر درنمی‌آید و مجلسی شکل گرفت که الان داریم می‌بینیم. اگر بنا باشد ما یک بار دیگر به آن رقابت‌های شورانگیزی که ۷۵ درصد مشارکت را مثلا در مجلس پنجم با مجالس دیگر و انتخابات ریاست جمهوری با مشارکت ۶۷ یا ۷۲ درصدی شکل می‌داد، برگردیم، باید اول نهادهایمان را به جایگاه کارکردهای خودشان برگردانیم و دوم ساختارهایمان را از این بن‌بست برهانیم. ما چهل و خرده‌ای سال داریم حکومت می‌کنیم اما حاضر نیستیم در حوزه حکمرانی یک قدم به نفع اصلاح ساختارها عقب بنشینیم. می‌خواهیم همه چیز با همان سنت گذشته ادامه داشته باشد و انتظار هم داریم که مردم با این غلبان و تحول‌خواهی که در زیر پوست جامعه شکل گرفته، همچنان به خواست ما عمل کنند. شما یک قدم اصلاح کنید. اگر

افتصاد



مهدی عبداللهی دبیرگروه اقتصاد

«تهرانی‌ها برای رفت‌وآمد در سطح شهر در خطوط بی‌آر.تی به‌طور میانگین بین چهار الی پنج دقیقه و در خطوط عادی به‌طور میانگین ۳۰ الی ۲۵ دقیقه معطل آمدن اتوبوس می‌شوند» این بخشی از اظهارات مهدی علیزاده، مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی شهر تهران در ۲۴ آبان‌ماه ۱۴۰۴ است. بررسی‌های «فرهیختگان» نیز نشان می‌دهد مشکل حمل‌ونقل عمومی و به‌ویژه اتوبوس‌ها در پایتخت طی سال‌های اخیر به حد بسیار نامطلوبی‌رسیده،به‌طوری‌که‌نسبت‌اتوبوس‌شاغل(درحال‌خدمت‌رسانی‌به‌شهروندان) در سال جاری کمترین مقدار از ۱۳۶۸ تاکنون است. همچنین در دهه ۱۳۸۰ درحالی‌به‌ازای هر ۱۹۰۰ تهرانی یک اتوبوس فعال وجود داشته که درحال‌حاضر به‌ازای هر ۴۴۰۰ تهرانی، فقط یک اتوبوس درحال تردد است. آمار و ارقام حکایت از آن دارد که سرآغاز این اتفاقی از اوایل دهه ۱۳۹۰ بوده و حد بحرانی نیز از ۱۳۹۵ به بعد آغاز شده‌است. به‌نظر می‌رسد باید ردپای این اتفاقات را اولاً در بی‌توجهی دولت‌ها به حمل‌ونقل عمومی در سیاستگذاری و ثانیاً در بودجه سالانه شهرداری جست‌وجو کرد. به عبارتی آمار و ارقام می‌گوید دولت‌ها در ایران خواسته یا ناخواسته، طوری در حوزه انرژی سیاستگذاری و رفتار کرده‌اند که نتیجه آن تشویق تردد خودروهای شخصی و تشبه حمل‌ونقل عمومی بوده‌است. آن‌طور که در ادامه می‌آید، به‌نظر می‌رسد شهرداری تهران مجموعه دولت، سیاست‌درستی برای تقویت حمل‌ونقل عمومی تهران درپیش گرفته‌اند،اتفاقی‌که دولت باید در سایر کلانشهرها نیز از آن حمایت کند.

بازگشت اتوبوس‌های تهران به دهه ۶۰

آمارها بسیار قابل‌تامل است، داده‌های آمارنامه شهرداری تهران نشان می‌دهد تعداد اتوبوس‌های فعال و شاغل شهر تهران در نیمه اول سال ۱۴۰۲ کمترین تعداد از سال ۱۳۶۸ تاکنون است. طبق این آمارها، در نیمه اول سال ۱۴۰۲ کل اتوبوس‌های شاغل در داخل شهر تهران ۲۴۷ دستگاه بوده که در دوره ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ این کمترین تعداد اتوبوس‌های شاغل ثبت‌شده در پایتخت است. طبق این آمارها، در سال ۱۳۶۸ کل اتوبوس‌های شاغل در سطح تهران ۱۸۴۱ دستگاه بوده که این تعداد در سال ۱۳۶۹ به ۲۰۹۵ دستگاه، در سال ۱۳۷۰ به ۲۱۳۶ دستگاه و در سال ۱۳۷۱ به ۲۲۵۰ دستگاه رسیده‌است. در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ تعداد اتوبوس‌های شاغل در شهر تهران به سه تا چهار هزار دستگاه رسیده و بالاترین تعداد اتوبوس‌های شاغل در تهران نیز مربوط به سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ است که تعداد اتوبوس‌های بین ۴۶۰۰ تا ۴۷۰۰ دستگاه است. از سال ۱۳۹۰ به بعد تعداد اتوبوس‌های شاغل در پایتخت به مرور کاهش یافته و تعداد آنها به ۲۵۰۰ دستگاه تا سال ۱۳۹۹ و به ۲۴۷ دستگاه تا سال ۱۴۰۲ رسیده‌است.

۸۲ درصد اتوبوس‌ها فرسوده هستند!

مسئله اتوبوس‌های تهران فقط کمبود نیست؛ چراکه طبق داده‌های آمارنامه شهرداری تهران، در سال ۱۴۰۱ از ۵۱۶۱ اتوبوس شرکت واحد و بخش خصوصی، تعداد چهار هزار و ۲۱۹ دستگاه یا معادل نزدیک به ۸۲ درصد از آنها فرسوده بوده‌اند. اما آمار مهم‌تر از فرسودگی، داده‌های اتوبوس‌های شاغل (فعال) است. به عبارتی، تعداد موجودی اتوبوس‌های هر شهر هرچند دستگاه باشد، آنچه مهم‌بوده، میانگین تعداد اتوبوس‌های شاغل و فعال است. براساس داده‌های آمارنامه شهرداری تهران گرچه تعداد اتوبوس‌های پایتخت از ۵۸۰۰ دستگاه در سال ۱۳۸۰ به ۷۸۰۰ دستگاه در سال ۱۳۸۷ و به ۵۱۶۱ دستگاه در سال ۱۴۰۱ (رسیده کاهش ۳۴ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۰) اما در همین مدت نیز تعداد اتوبوس‌های شاغل از ۳۹۰۰ دستگاه در سال ۱۳۸۰ به ۴۷۰۰ دستگاه تا سال ۱۳۸۷ و به ۲۱۰۰ دستگاه تا پایان سال ۱۴۰۱ و به ۲۴۷ دستگاه تا نیمه اول اسما رسیده‌است. براساس این داده‌ها، بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ حدود ۶۰ درصد از اتوبوس‌های

تهران برای بازگشت به شرایط عادی ۶۰۰۰ اتوبوس جدید می‌خواهد

چه کسی چرخ حمل‌ونقل را پنچر کرد؟

خرید تضمینی گندم (... و صرف پرداخت به مردم شده و بخشی نیز برای جبران بخشی از زیان شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی تخصیص داده می‌شود. درمجموع، علاوه بر سیاستگذاری درصدی سوم، سامانه اتوبوسرانی با سهم ۹٫۳ درصدی چهارم و موتورسیکلت با سهم ۷ درصد در رتبه پنجم و آخر قرار دارد. در مجموع، سهم اتوبوس و مترو از جابه‌جایی مسافر در شهر تهران طی سال گذشته حدود ۱۹٫۸ درصد بوده که با اضافه کردن سهم ۲۴٫۶ درصدی تاکسی‌ها، آژانس‌ها و تاکسی‌های اینترنتی، سهم حمل‌ونقل عمومی به ۴۴٫۴ درصد می‌رسد.

اتوبوس داخلی یا خارجی؟

آن‌طور که مسئولان شهرداری تهران می‌گویند، قراست از طریق خریدهای داخلی و ثبت سفارش از چین، تا سال آینده تعداد اتوبوس‌های شاغل در پایتخت به بیش از ۵ هزار دستگاه برسد. زاکنی شهردار تهران ۱۵ بهمن در صحن علنی شورای شهر تهران با اشاره به دستاوردهای سفرش به چین می‌گوید: «قراردادهای ما با کشور چین در قالب خرید خودرو و دیگر برنامه‌ها در بخش‌های مختلف بین ۱۲ تا ۱۳ میلیارد یورو است.» به گفته زاکنی، بخش اول تعهدات مبنی بر تامین ۷۹۱ واگن مترو بوده که تامین مالی آن توسط دولت صورت گرفته‌است. «به گفته وی، با احتساب واگن‌های داخلی، تعداد واگن‌ها در مجموع به هزار و ۱۸۴ واگن می‌رسد.

شهردار تهران درخصوص تامین اتوبوس‌های مورد نیاز تهران نیز بیان اینکه قراردادهای یک میلیارد و ۶۷۰ میلیون یورو در بخش حمل‌ونقل انجام شده، می‌گوید: «بسته خودرویی سفر اخیر شامل ۲ هزار و ۵۰۰ دستگاه اتوبوس برقی، ۱۰ هزار ون برقی، ۲۷ هزار و ۵۰۰ دستگاه تاکسی برقی شامل ۲ هزار و ۵۰۰ دستگاه تاکسی شاسی‌بلند برای مسیر فرودگاه و بخش‌های مشابه است.» به گفته زاکنی، مدت زمان اجرا و جزئیات تأخیر هر داین قراردادها پیش‌بینی شده و هر زمان که پرداخت اولیه صورت‌گیرد تا شش‌ماه آینده، گمرک بندرعباس اتوبوس‌ها را به شهرداری تهران تحویل خواهد داد. آن‌طور که زاکنی در روزهای اخیر گفته، شهرداری در حال حاضر تعداد ۵ هزار دستگاه اتوبوس خریداری کرده که ۲۵۰۰ دستگاه از تولیدکننده داخلی و ۲۵۰۰ دستگاه نیز از چینی‌ها خریداری شده‌است. اقدامات شهرداری تهران برای تامین اتوبوس‌های شهری با نقدهایی نیز همراه بوده‌است. برخی از منتقدان نسبت به خرید ۲۵۰۰ دستگاه اتوبوس از چین انتقاد کرده‌اند. یکی از اعضای شورای شهر تهران اخیراً می‌گوید: «برای راه انداختن کار مردم و توسعه ناوگان، خرید خارجی اتفاق خوبی است اما بدون توجه به تولید داخلی همچون لایبی‌خونان برای کودکی است که نمی‌تواند از روی گرسنگی بخورد.» برخی دیگر از منتقدان نیز نسبت به موضوع تهارت نقت برای خرید اتوبوس و نوسازی ناوگان شهری هشدار می‌دهند.

اما به نظر می‌رسد هر دروی این انتقادها چندان با واقعیت‌های میدانی تطابق ندارد؛ چراکه اولاً آن‌طور که شهرداری تهران می‌گوید، تولیدکنندگان داخلی ظرفیت تولید کافی برای تامین ۵ هزار دستگاه را نداشته و مشخص نیست ۲۵۰۰ دستگاه قرار فعلی را تا چه زمانی تحویل خواهند داد. ثانیاً به اعتقاد اغلب کارشناسان، استفاده از ظرفیت‌های تهارت نفت و سایر قراردادهای دو جانبه بهترین ابزار برای کاهش مخاطرات وضعیت فعلی حمل‌ونقلی در کشور و به‌ویژه شهر تهران است، وضعیتی که عدم چاره‌اندیشی برای آن، مساوی هدررفت میلیون‌ها دلار هزینه مصرف سوخت، آلودگی هوا و خسارت‌های مالی و جانی است. در این خصوص آن‌طور که علیزاده، مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی شهر تهران می‌گوید، تهران حداقل به ۹ هزار دستگاه اتوبوس نیاز دارد. وی مدعی است بیش از ۱۰ سال بوده که خط تولید شرکت‌های داخلی خوابیده و بدون خرید خارجی نمی‌توان اتوبوس‌های مورد نیاز را تامین کرد. به گفته علیزاده، شهرداری تهران در سه سال اخیر فقط ۶۵۹ دستگاه اتوبوس از ایران خودرو تحویل گرفته که این تعداد اتوبوس مشکلی از پایتخت را حل نکرده‌است.

حمل‌ونقلی در شهر تهران جابه‌جا شده که خودروهای شخصی با ۴۸٫۶ درصد، بالاترین سهم را داشته‌اند. پس از آن تاکسی‌ها، آژانس‌ها و تاکسی‌های اینترنتی (اسنپ و تپسی و ...) مشترکاً سهم ۲۴٫۶ درصدی داشته، مترو با سهم ۱۰٫۵ درصدی سوم، سامانه اتوبوسرانی با سهم ۹٫۳ درصدی چهارم و موتورسیکلت با سهم ۷ درصد در رتبه پنجم و آخر قرار دارد. در مجموع، سهم اتوبوس و مترو از جابه‌جایی مسافر در شهر تهران طی سال گذشته حدود ۱۹٫۸ درصد بوده که با اضافه کردن سهم ۲۴٫۶ درصدی تاکسی‌ها، آژانس‌ها و تاکسی‌های اینترنتی، سهم حمل‌ونقل عمومی به ۴۴٫۴ درصد می‌رسد.

سهم ۴۴٫۴ درصدی حمل‌ونقل عمومی از کل جابه‌جایی شهر تهران درحالی‌است که در شهر هنگ‌کنگ ۷۷ درصد از جابه‌جایی‌ها یا حمل‌ونقل عمومی انجام می‌شود. این میزان در زوریخ و استکهلم ۷۳ درصد، در سنگاپور ۷۲ درصد، هلسینکی ۷۱ درصد، اسلو، توکیو و پاریس ۶۶ برلین ۶۵، لندن، آمستردام و سنول ۶۴، فرانکفورت ۶۲، نیویورک ۵۶ و استانبول ۵۵ درصد است. البته تفاوت عمده بین حمل‌ونقل عمومی در تهران با شهرهای مذکور این است که در آن شهرها سهم اتوبوس و مترو نسبتاً بالا است و سهم تاکسی‌ها و تاکسی‌های اینترنتی از تهران کمتر است.

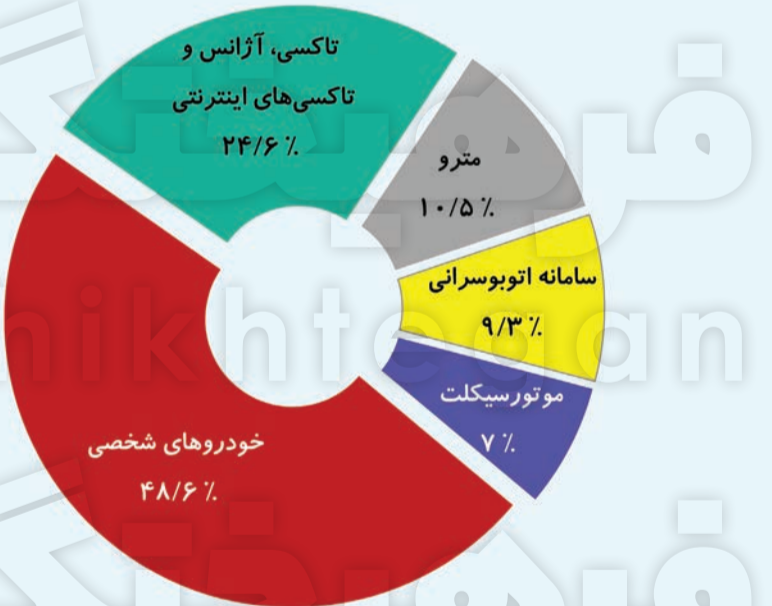
سیاستگذاری دولت‌ها علیه حمل‌ونقل عمومی

بااستنادبه داده‌های این گزارش می‌توان گفت درکشورمان سیاستگذاری حمل‌ونقل به اشتباه مشوق استفاده بیشتر از خودروهای شخصی بوده و کمتر به حمل‌ونقل عمومی بها داده شده‌است، اتفاقی که علاوه بر تأثیریک سنگین،آلودگی‌هوا، باعث تشدید مصرف سوخت در کشور نیز شده‌است، اتفاقاتی که سالانه خسارت زیادی راه شهروندان، دولت و کشور وارد می‌کند. در همین خصوص، نکته قابل‌تامل اینکه کاهش سرانه اتوبوس‌های شاغل در تهران بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۲ درحالی‌رخ می‌دهد که در این سال‌ها قانون هدفمندی درحال اجرا بوده‌است. به عبارتی، در سال ۱۳۸۹ درحالی‌دولت قانون هدفمندی یارانه‌ها را اجرا گذاشت (هرچند مراحل بعدی اجرا نشد)، که یکی از مهم‌ترین بندهای آن بر زمین ماند.

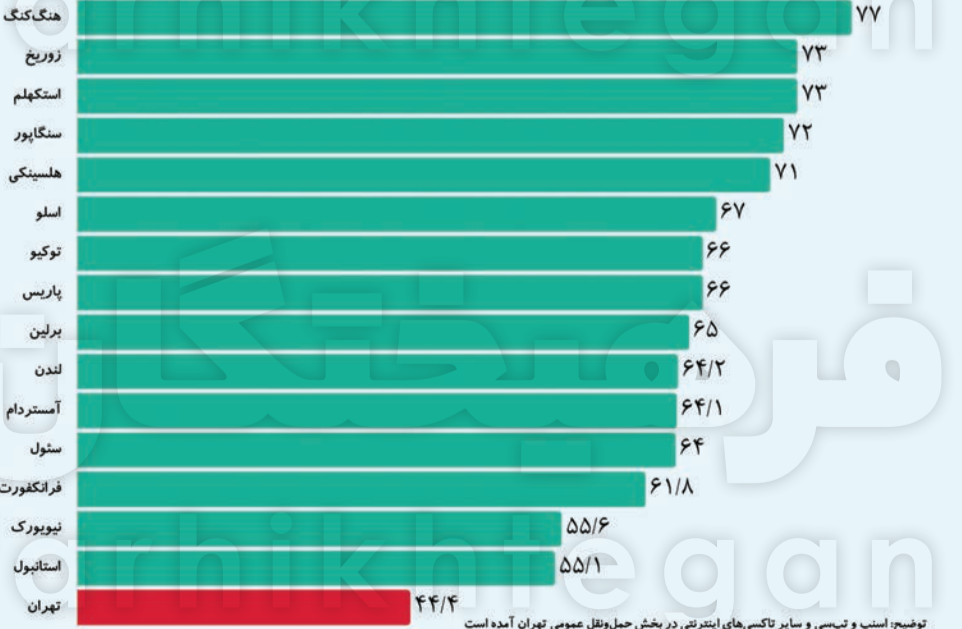
طبق ماده ۷ قانون هدفمندی یارانه‌ها، دولت مکلف بود حداکثر تا ۵۰ درصد از خالص‌وجوه حاصل از اجرای این قانون را در قالب ۱- یارانه‌های نقدی و غیرنقدی خانوار و ۲- اجرای نظام جامع تامین اجتماعی هزینه‌کند. در ماده هشت این قانون نیز برای بخش دوم منابع هدفمندی تکلیف شده بود که دولت باید ۳۰ درصد از خالص‌وجوه حاصل از اجرای این قانون را برای پرداخت کمک‌های بلاعوض، یا یارانه سود تسهیلات و ۱- بهینه‌سازی مصرف انرژی در واحدهای تولیدی، خدماتی و مسکونی و تشویق به صرفه‌جویی و رعایت الگوی مصرف، ۲- اصلاح ساختار فناوری واحدهای تولیدی در جهت افزایش بهره‌وری انرژی، آب و توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر، ۳- جبران بخشی از زیان شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی و شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، ۴- گسترش و بهبود حمل‌ونقل عمومی در چهارچوب قانون توسعه حمل‌ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت، ۵- حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنعتی، ۶- حمایت از تولید نان صنعتی، ۷- حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی و ۸- توسعه خدمات الکترونیکي تعاملی باهدف حذف یا کاهش رفت‌وآمدهای غیرضرور تخصیص داده شود. درنهایت در ماده ۱۱ نیز قانون هدفمندی بیان می‌داشت دولت مجاز است تا ۲۰ درصد از خالص‌وجوه حاصل از اجرای این قانون را به‌منظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه‌کند.

آمارهای عملکرد قانون هدفمندی نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از منابع این قانون به‌شکل‌های مختلف و در قالب نقدی و غیرنقدی پرداخت نقدی و پرداخت‌های

سهم بخش‌های مختلف در جابه‌جایی مسافری در داخل شهر تهران طی سال ۱۴۰۱ (درصد)



مقایسه سهم حمل‌ونقل عمومی از جابه‌جایی مسافر در تهران با برخی شهرهای جهان (درصد)



توضیح: اسنپ و تپسی و سایر تاکسی‌های اینترنتی در بخش حمل‌ونقل عمومی تهران آمده‌است